www.iwpri.ir

روایت شماره (۴)

شکل‌گیری بروکراسی اداره امور رودخانه‌های ایران در دوره معاصر

نویسنده: سروش طالبی اسکندری، سپینود محمدی لیری

andishkadeaab

تاریخ‌نگاری آب ایران دچار اسطوره‌ای غلط است که می‌گوید تا پیش از دهه ۱۳۴۰ (مصادف با اصلاحات ارضی، ملی شدن آب ها، تاسیس وزارت آب و برق) مدیریت رودخانه‌ها مردمی بود و بعد از آن دولت این امور را تا جزئی‌ترین موارد آن در دست گرفت. اما نه امروز آب با پیچیدگی‌های مادی-اجتماعی سیالش همچون عدم قطعیت و پیش‌بینی‌ناپذیری، اقتضائات محلی، جزئیات بهره‌برداری و عرف‌های جامعه آب‌بر اجازه می‌دهد که دولت بتواند همه امور بهره‌برداری آب را در سطح اداری تنظیم کند؛ و نه در گذشته‌ای که اراضی خالصه و مالیات ارضی (و بعضا مالیات حقابه) از درآمدهای اصلی دولت بود یا بسیاری از زیرساخت‌ها با اراده دولت ساخته می‌شد و از سویی دیگر بهره برداری عادلانه میان سراب تا پایاب رودخانه نیازمند نظامی برای سروسامان دادن به اختلافات و منازعات بود، دولت نسبت به اداره رودخانه‌ها بی‌تفاوت بود.

andishkadeaab

برخی از پژوهش‌ها سابقه مدیریت آب پیش از وزارت آب و برق (یا نیرو) را تا بنگاه مستقل آبیاری عقب برده‌اند (برای مثال رساله مریم محمودی). نهادی که اسما از سال ۱۳۲۲ و در واقع از سال ۱۳۲۴ تا سال ۱۳۴۴ (چند سال آخر در تعامل با وزارت آب و برق) امور آب را اداره کرده است.

اما ما با مرور برخی اسناد قصد داریم زمینه شکل گیری نهاد مدیریت آب را پیش از تاسیس بنگاه بررسی کنیم. بدین منظور مدیریت امور رودخانه‌ها را با تمرکز بر دوره مشروطه تا دهه ۱۳۲۰ پی می گیریم. در مقیاسی بزرگتر، می‌توان این دوره زمانی (اواخر قاجار تا اوایل پهلوی) را گذار اقتصاد ایران و همچنین دولت ایران به سرمایه‌داری دانست.

پیش از تمرکز بر دوره تاریخی مورد بررسی، اشاره‌ای به پیشاتاریخ آن داشته باشیم:

ارتباط دولت پیشاسرمایه‌دارانه آسیایی با آحاد جامعه از حیث دریافت مالیات یا خراج بوده است.

خراج‌ستانی مستلزم دو نقش بوده است:

۱- سازوکاری دیوانی برای ممیزی مالیات و دریافت آن و برقراری نظم برای ممکن شدن این امور

۲-حافظ‌الرعایایی پادشاه؛ به گونه‌ای که پادشاه محل تظلم‌خواهی رعایا در مواقع ظلم و تعدی حاکمان محلی (که مالیات یا مازاد تولید رعایا را دریافت می‌کردند)

ارتباط دولت با اداره امور رودخانه‌ها نیز از مجرای این دو نقش بوده است:

۱- درآمد از مالیات ارضی نیاز به کنترل و مدیریت بهینه آب رودخانه‌ها و ثبت و ضبط آن در دفاتر مالیاتی بوده است. مواردی از اشاره به سهامی آب دهات در دفاتر جزءجمع مالیاتی بدین منظور بوده است. در مواردی نیز بابت خود مصرف آب (علاوه بر مالیات ارضی) مالیات گرفته می‌شد.

۲-نزاع بر سر آب و ظلم و تعدی به رعایا نقش حافظ الراعایایی پادشاه را به همراه داشت و طومارهای حقابه و فرامین حقابه بدین منظور صادر شده است.

اما بر خلاف مالیات بر زمین، اداره امور رودخانه و دریافت مالیات از آن کار دشواری بوده است. چرا که نیروهای تمرکزگریز اداره کشور و مالیات‌گیری (استقلال نسبی حکومت‌های محلی و ایلات، بدون پرداخت مالیات جمع‌آوری شده به دولت مرکزی) و تمرکزگریزی خود آب که نظارت و کنترل آن را سخت می‌کرد، مانع سامان دادن امور اداره آب و اخذ مالیات بابت آن در مرکز می‌شد.

به همین جهت اداره امور رودخانه‌ها هیچ وقت شکل ایده‌آل خود را که بتواند همه آب‌ها را تحت کنترل بگیرد نداشته است.

در چنین شرایطی معمولا رودخانه‌ها در دوره پیشاسرمایه‌دارانه یا در مناطق نزدیک به پایتخت (مثلا زاینده‌رود در زمان صفویه و رودهای نزدیک تهران در دوره قاجاریه و اوایل پهلوی) یا در مواردی که خود دولت وظیفه نهرکشی آن‌ها را بر عهده داشته (مثلا جوبشاه بروجرد) یا در مناطق خالصه (مناطق با مالکیت دولتی) تحت اداره مستقیم دولت بوده‌اند.

به گفته شاردن زمین‌ها و باغ‌های اصفهان و حومه آن سالیانه در هر جریب ۲۰ سل (sol واحد پول فرانسه) بابت آب رودخانه به شاه می‌دادند و نرخ مالیاتی چشمه کمتر بود. میراب یکی از ماموران مهم به شمار می‌رفت و از وجوهی که زیردستان برای میراب وصول می‌کردند ۴۰۰۰ تومان درآمد شغل او بود (همان). وظیفه او تعیین سرپرست نهرها، تنقیه آنها، توزیع آب و جلوگیری از تجاوز در حقوق دیگران بود. هر روز به آب دادن به یک محله معین اختصاص یافته و هر باغ بسته به مساحتی که دارد باید کمابیش سالانه از سی، چهل تا شصت عباسی بپردازد تا هفته ای یک بار آبیاری شود (دتونو، De thevenot ج ۲ ص ۸۳).

مالیات آب به زاینده‌رود محدود نمی‌شد. کمپفر نیز می‌نویسد شاه تنها از بندامیر (یکی از بندهای پنج‌گانه کربال در پایین دست رودخانه کر) سالانه چند هزار تومان درآمد دارد. این درآمدهای کلان از آن‌جا سرچشمه می‌گرفت که دهقانان با پول دادن به میراب و نوکرانش آنان را زیر نفوذ خود آورده و بیش از حق خود آب می‌گرفتند.

ادامه دارد..

پیش از شکل‌گیری کمپانی خالصه‌جات [در زمان مشروطه]، رودخانه‌های کرج و جاجرود به صورت تیول به مباشری سپرده می‌شد تا در عوض مبلغ معینی که به دولت پرداخت می‌کنند وظیفه میرابی را انجام دهند و هزینه میرابی یا حقابه از مالکان بگیرند. قرارداد سال ۱۳۲۷ هجری قمری (۱۲۸۸ شمسی) برای اداره خالصجات ورامین، غار، شهریار، فشافویه و ساوجبلاغ به ضمیمه میرابی رودخانه‌های کرج و جاجرود چنین سازوکاری را نشان می‌دهد.

دولت این دو رودخانه و عواید بلوک‌های مذکور را به سه نفر از متنفذین اجاره می‌دهد.

سال ۱۳۳۰ هجری قمری (۱۲۹۱ شمسی) پایان اجاره یا تیول رودخانه جاجرود به دنبال تاسیس کمپانی خالصجات است.

در نامه‌نگاری‌های بعدی خبری از اجاره نیست و به جای آن کمپانی خالصجات برای اداره امور رودخانه‌ها سرمباشر تعیین می‌کند.

وزارت مالیه

اداره
وخه
ره

چون یکی از خصوصات در این دفاتر شهرداری و فاوه و جلدی را به ضمیمه سرایه رود خانه کرج و حدود
و غیره را جناب عین السلطنه رشید الممالک وزارت جلیله تجارت در صورت سیخ
اقتباس نموده همین را خاطرنشان که جنس آن در وزارت مالیه ضبط و سواد آن نیز در وزارت
مالیه زیر نظر الیهم ضبط است چاره نمودند لهذا این قرار داد از طرف وزارت
با آنها داده می‌شود و بر طبق آن سنه مهور منزی الیهم در وزارت مالیه ضبط شود

فصل اول خصوصات فوق از اول لق هذه السنه مسعوده قرار است شش سال که روا
شش سال محصول شهری وصفی بوده باشد در چاره بست چون فرق قرار است سیخ عوارض این
چاره را از طرف اولیای دولت به مدت پنج سال تجدید کرد

فصل دوم ربات کلی ایدت خالصه و حکومت خالصه در مدت شش سال
عین السلطنه رشید الممالک خواهد بود و شرط این چاره است

فصل سیم مال الاجاره خالصجات و ربات ایدت از قرار صورتی است که در ذیل
جناب اجل الدوله وزارت مالیه داده اند مبلغ پانزده هزار و پانصد تومان
کسری نقد و تعداد از دوازده هزار و پانصد و پانزده خروار و ده من گندم و پانزده هزار و سیصد تومان جنس
پنجاه و هشت من جو و سی و سه هزار و هشتصد و هشتاد خروار و سی و سه من کاه و پنجاه خروار یونجه ایران
قبول نمایند که مبلغ و تعداد مزبور را در سال اول در هر سه سال بدهند و ده یک در

بسلاد ده هر و در کل این شش سال چهار هزار خروار عدده بر این ده یک رده هر
که سالی شش صد و شصت و شش خروار و شصت و شش من و کسری باشد بعد از رسیدن مخارج
فصلات از قسمی در دعوفه و قائی که بخرج خالصات می آمده است و معمولی بوده بحرانی
در ارث مالیه برداخته از دفتر خالصات میگیرند
فصل چهارم هر یک از این فصلات که از طرف دیوان اعلی مکتب کسی مرحمت شده
کرایه آن از قرار سه ماهیه رشت بیست و ده تومان فی که بخرج خالصه آمده خرج تاجرین نوع
فصل ششم دستور العملی که در آن دستور العمل اصلی عمل و عدد قرلی تاجرین غیر از چهار هزار
معمولی خالصه بخرد میشود است هر در ارث مالیه یک تاجرین داده میشود
فصل هفتم چنانچه اشخاص دیگری شده مراقب تصرف ممیزین در ماکرد
بخرج تنها محسوب میشود شد بن المعظم ۱۳۲
توضیح اینکه حکومت خراج را بدست خالصه انجا خارج از این خراج داده است

۹۷
ج خوب

(۳۹۹)

ریاست محترم ادارهٔ جلیلهٔ مستخلصات وارداتی عمومی

در جواب مرقومهٔ محترمهٔ نمره (۴۲۴۲) راجع بدارایت سربازرخانهٔ جاجرود باطلاع احترام معروض میدارد

اولاً مالیات کلیه تعلق آباد بشرح ذیل است

مالیات	مالیات	مالیات
مالیات رخوخانه	مالیات	مالیات رخوخانه
مالیات	مالیات	مالیات

ثانیاً دولت کلیه عایدی رخوخانه جاجرود را موافق اجازه نامه اجازه طلب نموده نزد اللهی

بدهی خود را پرداخته است در اینصورت مالیات این سه ساله رخوخانه در اجازه نامه بعضی

وارداتیست که مأخوذ بحق خزینه عایدی رخوخانه و تا کلیه بنیه رسیده و مالیات و سه بعضی اگر

نیز بهمین طریق است حالا این مطلب را ادارهٔ جلیلهٔ مستحضر است از روی حساب قانونی است

خوب است بعرض برسد مکرره در این باب بوزارت جلیله مالیه و غیره عرض شده

اثری حاصل نشد و کتاب سه ساله رخوخانه رسیدگی شود در صورتیکه مضری از مال آباد

باجازه باشد چنانچه امسال تقدیم خواهد نمود سالار منصور

نمره 3 و 4

۱۸ ص ۹۷
۴۵۷۶

andishkadeaab

وضعیت اداره رودخانه‌های تهران در سال‌های نزدیک به انقلاب مشروطه و اوایل پهلوی را می‌توان از نامه یکی از پرسنل وزارت مالیه به مسیو کلاویر مستشار بلژیکی و رئیس کل عایدات و مشاور اقتصادی متوجه شد.

در این نامه گفته شده:

عقیده این جانب را در موضوع مالیات حقابه رودخانه حبله‌رود خواسته بودید. برای مزید اطلاع شما تفصیل مالیات‌های رودخانه‌های اطراف طهران را به عرض می‌رساند.

رودخانه‌های بزرگ اطراف طهران که زراعت املاک را مشروب می‌نماید به قرار ذیل است:

رودخانه جاجرود بلوک ورامین، رودخانه کرج بلوک ساوجبلاغ غار شهریار، رودخانه حبلرود خوار، رودخانه کن در بهار غار، رودخانه وفرقان ساوه و رودخانه مزلقان ساوه

این رودخانه‌ها هیچ کدام در زمان سابق تا سنه ۱۲۸۷ شمسی [دو سال پس از انقلاب مشروطه] مالیات حقابه نداشته‌اند. هر مالکی که دارای حقاب بود سهم آب خود را از رودخانه می‌برده و مالیات به دولت نمی داده است. و حقا هم نبایستی مالیات می‌دادند و ندادن مالیات منصفانه بود. زیرا تشکیل طبیعی رودخانه‌ها قبل از احداث املاک ایجاد شده است و مردم ساکن در حاشیه رودخانه به اتکا آب رودخانه و نهرهایی که خودشان از آن کشیده بودند، این روستاها را بنا نموده‌اند. فقط چیزی که دولت از صاحبان املاک برای رودخانه‌های جاجرود و کرج دریافت می‌داشته وجود مختصری به عنوان میرابی بوده. چون حقوق میراب و مخارج رودخانه‌ها را دولت می‌داده وجهی به عنوان میرابی دریافت می‌کرده است.

بعد از سنه ۱۲۸۸ شمسی تدریجا وجوه میرابی اضافه شد تا اینکه در زمان مستشاری آمریکایی‌ها نظام‌نامه مخصوصی برای حقابه رودخانه جاجرود تدوین و برای حقابه‌برها مبلغ و مقدار معینی به طور مقاطعه معین نمودند که از قرار همه ساله به دولت بدهند. برای رودخانه کرج و رودخانه کن نیز در نظر گرفته بودند که نظام‌نامه تهیه نمایند مجال نشد. این‌ها نیز همه ساله مبلغ و مقداری می‌پردازند ولی رودخانه‌های وفرقان و مزلقان و حبله‌رود چیزی نمی‌دادند. نظام‌نامه هم ندارند. این ترتیب معمول و جریان داشت تا ۲۰ دی ماه ۱۳۰۴ که قانون مالیات املاک اربابی به تصویب مجلس رسید. بعد از تصویب قانون مقرر گردید که کلیه املاک اربابی را ممیزی و مالیات جدید وضع نمایند. تجدید نظر در مالیات حقابه مطابق با ماده چهارده قانون مزبور ذیلا درج می‌شود

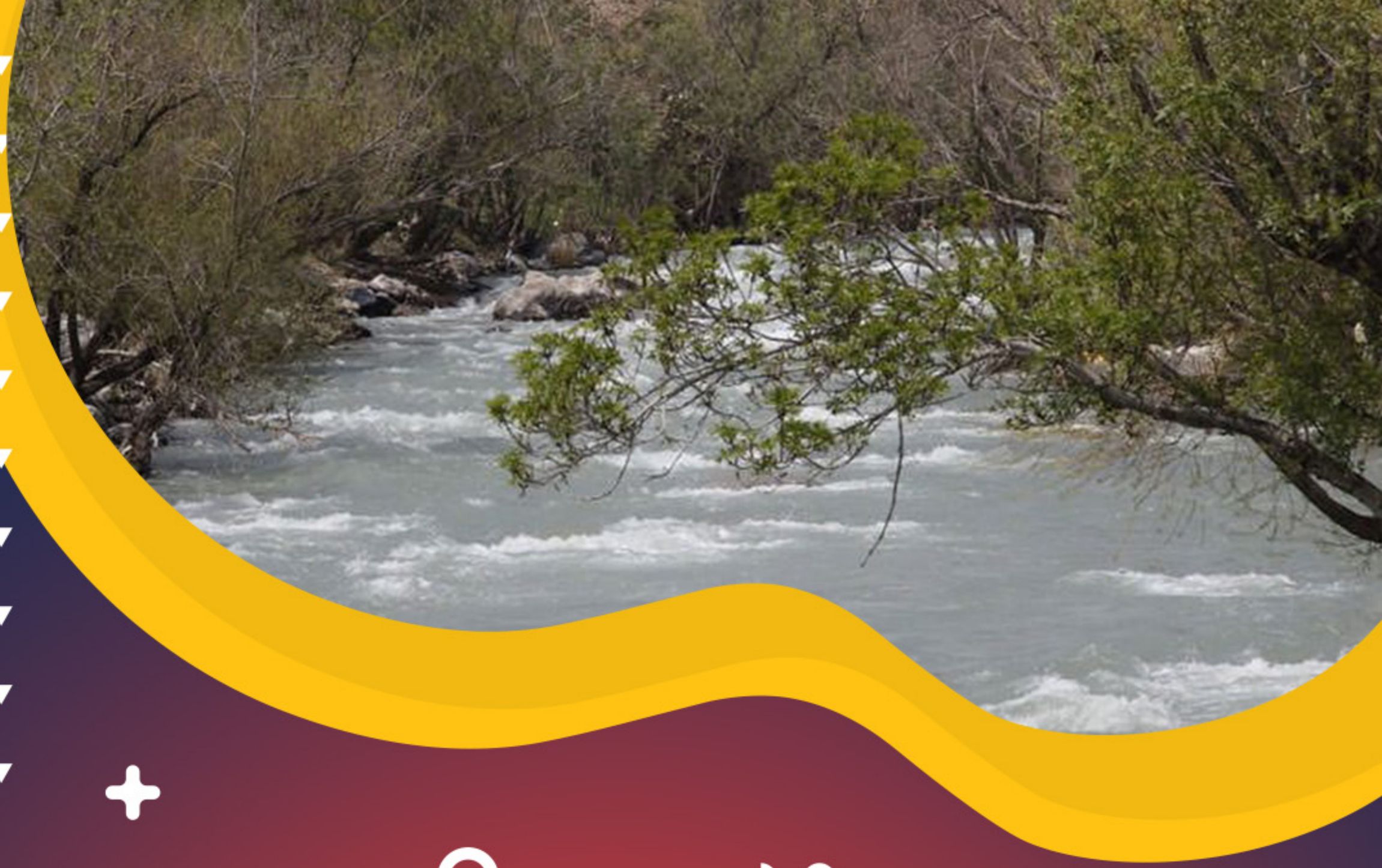

ماده ۱۴: پس از ممیزی در هر نقطه مطابق این قانون کلیه مالیات های مستقیم ارضی و آبی و حیوانی و سرانه و خانواری و یا دارانه نقدی و جنسی و غیره و حق‌المرتع از مراتع عمومی غیر از مراتع خالصه دولتی که عمال دولت از املاک و اشخاص و حیوانات دریافت می‌کرده‌اند خواه به‌عنوان مالیات خواه به عنوان عوارض و خدمتانه و تحصیلداری و غیره به هر اسم و رسم منسوخ و به جای آنها مالیات‌های مصرح در این قانون دریافت خواهد شد.

مالکین و حقابه‌برهای رودخانه‌های جاجرود و کرج از مفاد این ماده استفاده نمودند مخصوصا از کلمه (آبی) مدعی شدند که بعد از اجرای قانون مالیات اربابی صدی سه و نیم دیگر به عنوان مالیات حقابه چیزی نباید بدهند. در این موضوع بحث‌های زیادی شده و دوسیه‌های [پرونده‌های] مفصلی در وزارت مالیه و مجلس شورای ملی تشکیل یافته و عقیده جماعتی این بود که مالیات‌های حقابه باید حذف و ملغی شود. حتی ۲۰ نفر از وکلای مجلس امضا نمودند. بنده عقیده داشتم که باید گرفته شود و دلیل بنده این بود که چون این وجه مربوط به مالیات ست و به طوری که فوقا توضیح داده‌ام این وجه به عنوان مخارج رودخانه و حقوق میراب‌ها است که دولت می‌دهد و از مالکین جمع‌آوری می‌کند. نمونه‌ای از نظام نامه رودخانه جاجرود که در این نامه به آن اشاره شده:

نظامنامه رودخانه جاجرود

ماده اول رودخانه جاجرود متعلق بدولت است که آب آن را بمصرف شرب اراضی خالصه واراضی اربابی که مخصوصاً از آن حقابه دارند میرساند

ماده دوم آبیکه برای شرب اراضی خالصه لازم است بتوسط مباشر رودخانه داده میشود مباشرین دهات خالصه که امانی عمل میشود و مستاجرین دهات خالصه باید بمباشر رودخانه رجوع نمایند

ماده سوم بخالصجات انتقالی موافق معمول آب داده میشود و حق الشرب معمولی رودخانه را باید بپردازند ولی از پرداخت عشریه معاف هستند مگر وقتیکه دولت جمع خالصگی آنها را تعدیل نموده مالیات اربابی برقرار نمایند باید عشریه را هم مثل سایر دهات اربابی بپردازند

ماده چهارم قراء اربابی که از خودشان قنات ندارند و از رودخانه حقابه بهاره وپائیزه دارند از اول حمل تا ۲۵ جوزا و از دهم عقرب تا آخر سال به آنها آب داده میشود

ماده پنجم قراء اربابی که قنات دارند حقابه بهاره آنها از ۱۴ حمل تا ۲۵ جوزا و حقابه پائیزه آنها در صورتیکه حق داشته باشند از پانزدهم عقرب تا آخر جدی داده میشود

ماده ششم حق الشرب بهاره را از قرار نهری پنجاه تومان بعلاوه دو تومان به اسم نایب میرابی و حق الشرب پائیز را از قرار نهری بیست و پنج تومان بعلاوه دو تومان به اسم نایب میرابی باید در موقع خود تأدیه نمایند

ماده هفتم دهات اربابیکه دررودخانه دهنه ندارند و از بغل انهار دهات خالصه یا اربابی حقابه خودشان را میبرند آندهاتیکه حقابه بهاره و پائیزه دارند هر نهری چهار خروار غله و آن دهاتیکه فقط حقابه بهاره دارند هر نهری سه خروار غله باید باسم حق رئیسی بدولت به پردازند مگر حسین آباد وزیردفتر که باید مطابق معمول سنوات سابقه سالی بیست خروار غله بپردازد

ماده هشتم برای شرب محصول تابستانه (صیفی وشلتوك وغیره) در مقابل پرداخت عشریه که از زمان قدیم دو ورامین معمول است آب داده میشود محصولی که بدست می‌آید پس از کسر ده یك آن بدو قسمت متساوی تقسیم میشود قسمتی از آن برعایا برای حق رعیتی داده میشود قسمت دیگر به علاوه ده یکی که در بدو تقسیم کسر شده نصف بدولت و نصف به مالك داده خواهد شد

ماده نهم ملاکین و زارعینی که مایل بزراعت صیفی و شلتوك باشند باید قبل از حمل قصد خود را بمباشر رودخانه اطلاع دهند ونیز در پیشنهاد خود باید نوع زراعت ومقداریکه باید کاشته شود و مساحت زمینی را که درآن زراعت میشود معین نمایند وهمچنین باید متعهد شوند که موافق تعلیمات و دستورات مباشر رودخانه عمل کنند

ماده دهم مقدار عشریه را چهار نفر مقوم بصیر که دونفر از آنها از طرف اداره و دو نفر دیگر از طرف مالك خواهند بود معین خواهند کرد امین مالیه محل ومباشر رودخانه

در موقع بازدید حضور خواهند داشت

ماده یازدهم فروش آب رودخانه مختص دولت و از وظایف مباشر رودخانه است هیچ یك از دهات اربابیکه حقابه دارند حق آبفروشی ندارند و نیز اشخاص متفرقه که برای زراعت خودشان آب میخرند حق فروش آن را بهیچوجه ندارند در صورتیکه تخلف نمایند دو مساوی قیمة آب فروخته شده جریمه گرفته خواهد شد و همچنین مستاجرین دهات خالصه هم اگر آب فروشی نمایند علاوه بر اینکه دو مساوی قیمة آب جریمه گرفته میشود اجاره نامچه آنها هم فسخ خواهد شد

ماده دوازدهم دهات اربابی چنانچه غیر از موعد و موسم معینی که برای دادن آب مقرر شده به آب محتاج شوند باید بموجب شرایطیکه از طرف اداره مقرر میشود آب را خریداری نمایند

ماده سیزدهم تعیین قیمة آب همه ساله قبل از حمل از طرف اداره خالصجات معین و اعلام خواهد شد

ماده چهاردهم تقسیمات و فروش آب رودخانه تماماً مطابق سنوات سابقه به سنك دیوانی است که چهار کره در چهار کره بوده باشد

ماده پانزدهم حق الشرب دهات اربابی که حقابه دارند و عشریه و ابفروشی رودخانه را باید از قرار اقساط ذیل بمباشر رودخانه پرداخته و در مقابل آن قبض رسمی دریافت نمایند

حق الشرب بهاره

نصف	۲۰	حمل	نصف	۲۰	ثور

حق الشرب پائیزه

نصف	۲۰	عقرب	نصف	۱۰	قوس

قیمة آب خریداری باید نقداً بمباشر رود خانه پرداخته شود

عشریه بطریقیکه در قرارنامه معین میشود

حق رئیسی در اول خرمن

ماده شانزدهم در هر فصل بعد از شرب اهالی خالصه آب رودخانه مطابق معمول و و بطور عادلانه تقسیم و قسمت هر محلی داده خواهد شد

ماده هفدهم این نظامنامه بالاختصاص شامل دهات واقعه در بلوك ورامین است

ماده هیجدهم خزانه داری کل میتواند در اول هر سالی باقتضای وقت و حفظ حقوق دولت مواد این نظامنامه را جرح و تعدیل نماید

ماده نوزدهم مطالبیکه خارج از مواد این نظامنامه است و بطور فوق العاده پیش می آید بطور ادارهٔ بتوسط خزانه دار کل تسویه میشود

خزانه دار کل مرتارد

تا پیش از تصویب قانون مالیات املاک اربابی و دواب [چهارپایان]، دریافت مالیات در کشور سازوکار واحدی نداشت و مستوفیان و ادارات مالیه در هر منطقه‌ای مطابق با میل خود و عرف محل مالیات می‌گرفتند.

برای مثال علاوه بر مالیات حقابه در کرج و جاجرود، متولیان دریافت مالیات در کرج حتی بر روی تیرهای چوبی که به عنوان پل و برای رفت‌وآمد بر روی رودخانه گذاشته شده بود نیز مالیاتی به نام حق‌العبور دریافت می کردند.

با این حال همان‌طور که گفته شد دولت نمی توانست مگر در محدوده‌هایی که به واسطه نزدیکی به مرکز سلطنت، دارالسلطنه (محل حکومت ولیعهد)، مواردی که خودش به نهرکشی و سدسازی پرداخته بود یا مراکز مهم حکومتی دیگر، مصارف رودها را تنظیم و بابت آن مالیات اخذ کند.

ممنوعیت اخذ مالیات برای حمل و نقل با تیرهای چوبی:

تاریخ ۲۱ برج ۸ سنهٔ ۱۳۰۵ ذیل

نمره ۱۹۴۹۸ ضمیمه

وزارت مالیه

اداره .....

وارد .....

۴۰۹۷

۱۸/۲۵

ذیلاً لایحه مورخ ۲۵ رونوشت

نمره ۱۹۴۹۸ اعلام میدارد نظر باینکه در فصل العبور از تیرماه ۱۳۰۵ بوسیله

کرج عبور میدهد قانوناً نسبت بعابرین آن محصور است از زحمت مردم

فراهم شود لذا از تاریخ وصول این حکم در فصل العبور قرار الذکر را

ملغی دارید در جواب نامه همایون عنوان مفتشی مالیه نمایید.

رئیس اداره مالیات ملکان

Coleman

وارد

۱۳۰۵/۸/۲۵

۴۰۵۷

۱۳۰۵/۸/۲۵

سواد حکم فوق برای اطلاع به آقای میرزا حسینعلی خان شهرستانی رئیس خانه ابلاغ

که مفاد آن را بموقع اجراء گذارده و عدهٔ ضمیمه را هم در کرج برای اطلاع به ابلاغ

الصاق نمایند.

امین اکرم صدر

ل ـ ۰

در چنین بستری قانون جدید مالیات املاک اربابی و دواب مصادیق دریافت مالیات را مشخص می‌کند. ماده یک این قانون مالیات‌گیری از املاک اربابی را به چهار مورد منحصر می کند: ۱- املاک: از کل محصول (آبی و دیمی و باغات) قبل از تقسیم ۳%، ۲- جنگل و مرتع: از عایدات مطلق مالکانه ۱۰% - طواحین [آسیاب‌ها] و آبدنگ [شالی‌کوب]: از عایدات مطلق مالکانه ۵%، ۳- از عایدات قنواتی که به مصرف شرب می‌رسد ۵%.

طبق تبصره ۲ این ماده علاوه بر مالیات فوق، سه درصد عایدات کل برای معارف گرفته می‌شود و عایدات هر دهی صرف معارف همان ده خواهد شد.

در این میان ماده ۱۴ این قانون برای ما مهمتر است: همان طور که در نامه به مسیو کلاویر خواندیم این ماده قانونی می‌گوید **دریافت مالیات بابت آب به هر اسمی از این به بعد ممنوع است.**

andishkadeaab

در مذاکرات مجلس برای تصویب این قانون نیز همچنان بحث دریافت بها بابت آب مطرح بود. به طوری که یکی از نمایندگان به نام طباطبایی بروجردی این سوال را مطرح کرد که «الغاء یک چنین مالیاتی که اینقدر جوانب و اطراف و شعب داشته است باید زیاد در اطرافش توضیح داده شود و کاملا واضح کند الغاء آن را. مثلا می‌خواستم عرض کنم راجع به آبیاری‌ها که جزء مالیات ارضی بوده است. بنده در اکثر شهرها دیده‌ام که به عنوان آبیاری یک چیزی می‌گرفتند و این در حقیقت جزء مالیات ارضی بوده است و حال آن که آن وقتی که می‌گرفتند صریح قانون نبود ولی می گرفتند. حالا از کجا بتوانیم ثابت کنیم که این الغاء شامل آن مالیات‌هائی هم می‌شود که در ضمن مالیات ارضی از آب می‌گرفتند. اگر می‌فرمائید که شامل آن‌ها هم می‌شود بفرمائید شامل می‌شود همه متشکریم». اما پرسش اساسی در مذاکرات مربوط به تصویب قانون پی گرفته نشد و در متن مصوب نیز وضعیت دریافت آب‌بها برای اداره امور رودخانه‌ها مبهم باقی ماند.

www.iwpri.ir

به دنبال این قانون، علاوه بر پرهیز مالکان از پرداخت مالیات حقابه، نمایندگان مجلس هم از آن‌ها حمایت کردند.

نامه مخالفت نمایندگان مجلس با دریافت مالیات حقابه:

نمونهٔ (۷)

مجلس شورای ملی

سواد مربوط جلسه ۱۲۰ ماه کذا

شماره ..... مورخه ۷ آذر ماه ۱۳۰۶

مقام منیع ریاست محترم مجلس شورای ملی دامت شوکته - بضمیمه ماده ۱۴ قانون نمره مالیات بر ارث نموده و مطابق صورت حساب
ماده مزبوره در مجلس شورای ملی مطرح گردیده است مقصود از مالیات بر مدرجه در ماده مزبوره همانا مالیات حقیقی است که از اشخاص
ارباب منفعت از رفوف نه در قیمت مدارند زیرا در اینجا حالت در ماده مزبوره بکلی از نسخ مالیات بر نیمه و در اثر پیشنهاد دولت
بعضی نمایندگان در ترضیات خود تصریح باین معنی کرده اند جمله نسخ مالیات بر نیمه مزبوره افزوده شده است معذالک وزارت
مالیه مالیات حقیقی خواهد دریافت داشت و تغییراتی بر خلاف قانون از ماده مزبوره نمی نماید و با کمال شدت مالیات
را تحت قانون گرفته اند لذا اینکه پیشنهاد دارم امر و مقرر فرمایند وزارت مالیه را مکلف بماده مزبوره مزبوره
بر خلاف قانون مالیات بر ارث را نشده بلا ترک تعدی باشد - محمد نقی - حاج و خواجه - اسماعیل -
اشتیانی - حسینقلی زاده - عماد - حاج شیخ باقر - دهقان - دیباج - حاج اسمعیل کرمانی - حاج علی دینی - فهیم - محمدی
مازندرانی - رفیع عدل - ادیب - دکتر دادگار - صفا - حاج ظفر - شیخ الاسلام - محمد خان - سید الشهداء - حاج سید حسن
لرستانی - دکتر لقمان - فخر عمرانی - حاج اسدالله زرندی - ملک ارانی - فروزان - ابراهیمی - گلپایگانی - رفیع -
مدرس - رهبر -

رئیس مجلس شورای ملی

سردار اسعد بختیاری

رئیس دادگستری

۱۳۰۶

حسین پیرنیا رئیس مجلس شورای ملی، شکایت نمایندگان را به نخست‌وزیر اعلام می‌کند.

وزیر مالیه در پاسخ مدعی می‌شود که حقابه مالیات نیست. چرا که مالکیت دولت بر رودخانه امری مسلم است.
با این حال می‌گوید اگر نظر مجلس چیز دیگری است صریحا اعلام کند.

همچنین در مواجهه با مشکلاتی که در اخذ مالیات آب و مالیات ارضی در روستاهای خالصه انتقالی (املاکی است که از ۱۳۰۰ قمری به این طرف در تصرف دولت بوده و بعد به تصرف اشخاص درآمده است) پیش آمده بود، وزارت مالیه متحدالمالی صادر می‌کند تا یادآوری کند که قانون جدید فقط درباره دهات اربابی است.

نمره ۱۵۵۲۳ ضمیمه برابر .....

مجلس شورای ملی

ریاست محترم وزراء

خیلی فوری ۱۲۰۶ آذرماه ۱۳۵۹

راجع به ماهیت قانونی در طرز دعوای ماده ۱۴ قانون تعزیرات
جمعی از آقایان نمایندگان محترم شرحی گذاشته اند نظر مردم اعزام
مقررات قانونی رد و آن لغو و تعیین آن قدغن و باید
ورود است مالیه شرکت داده شود بارعایت مراتب قانونی
رفع نگرانی آقایان نمایندگان محترم رد فرمایند

رئیس مجلس شورای ملی

۹/۹

ورود بکابینه ریاست وزراء
بتاریخ ۹ ر ۹ ر ۵
نمره ۲۵۴۹

وزارت مالیه

تاریخ ۴ ماه ۱۱ سنه ۳۰ ۶

نمره ۴۵۴۶۷ ضمیمه .....

موضوع .....

مقام منیع ریاست وزراء عظام

در جواب مرقومه نمره (۷۸۴۹) راجع اظهارات علاء الدوله راجع گمرک ممتاز مجلس شورای ملی در موضوع اجرای ماده ۱۴ قانون گمرکی رحمت سرم که تعلق وزارت مالیه بموضوع خانه‌های حقابه‌هات نیست که تحول ماده ۱۴ قانون گمرکی بشود زیرا مالکیت مورد در رود مسلم و حقابه‌ها یکه داده شده بموجب فرامین بعضی دورود اقع تکلیف آب مشاعات آن لکن بیان نه بنفعی نقد و تصدیق اراضی حسن بطور ثابت مورد داشته نه خانه مجلس شورای ملی مطلب را خبر از این سرانه بیرحمانه مرقوم فرمایند تا اقدام لازم بعمل آید

سابقه

تاریخ ..... برج ..... سنه ..... ئیل ۱۳

نمره .....

وزارت مالیه

اداره .....

تلگراف به ..... دایره .....

[illegible] در تعقیب دستورات راجعه باجرای قانون جدیات املاک و حق ثبت مذکور مندرجه قانون مزبور
فقط راجع است باملاک ارباب خالصجات و متقاعدین جمع مساعی خود را باید بنمایند و موجب مقررات قانون
مزبور تغییری در ثبات آنها وارد نمیشود رسید این دستور را باید بمقام طبع دهید ولی این دستور را مانع نخواهد شد که
از وضعیت خالصجات انتقالی اوراق اظهارنامه بمالکین آنها چنانچه سابقاً دستور داده شده تسلیم و اطلاعات لازمه را
جمع آوری نموده بمرکز بفرستید ۲۲۷۶۰ وصول از طرف رئیس [illegible]

محمد [illegible]

سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

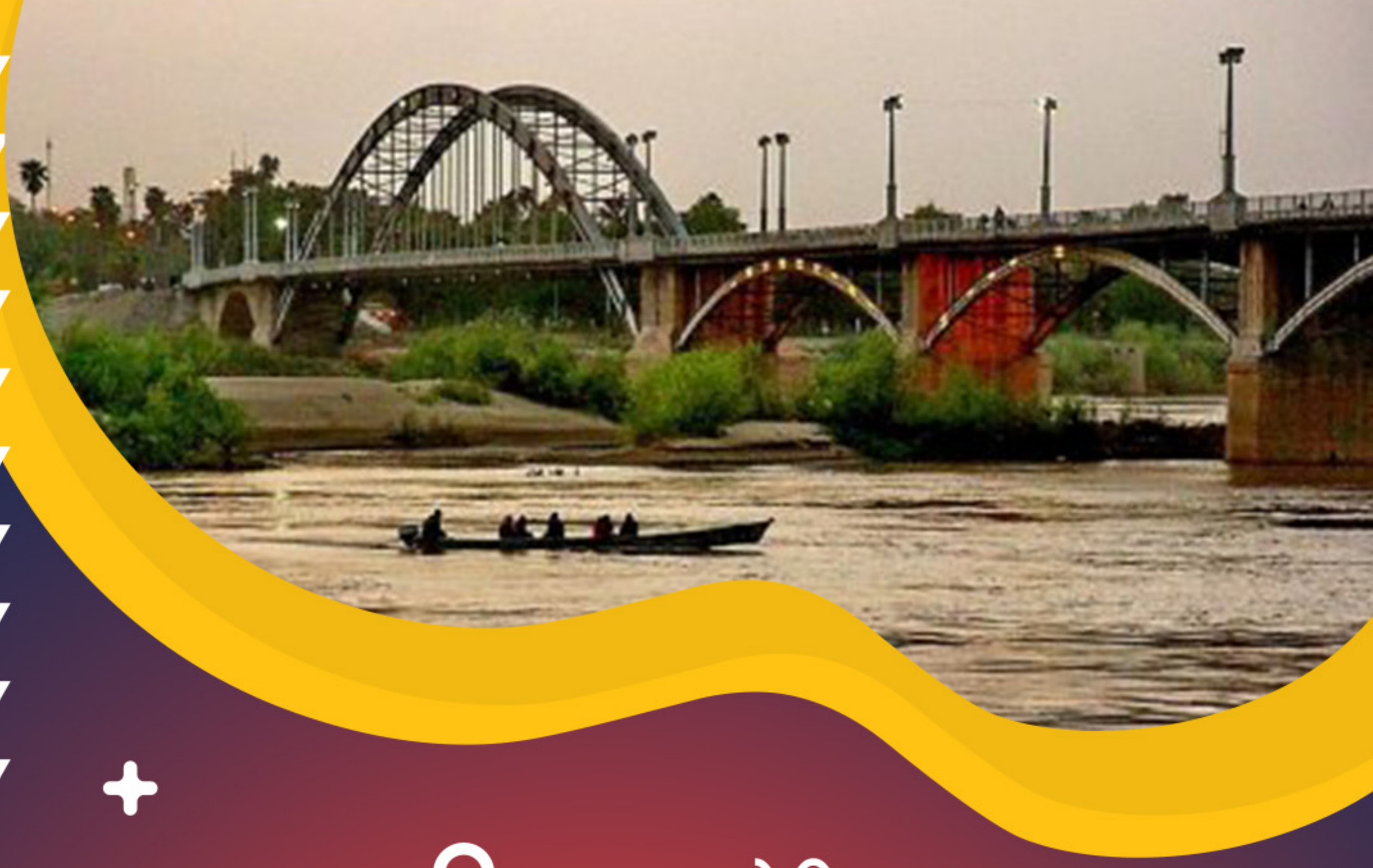

برای حل و فصل موضوع دریافت آب‌بها یا هزینه‌های میرابی و حقابه وزارت مالیه در سال ۱۳۰۸ کمیسیونی تشکیل داد و در سال ۱۳۰۹ لایحه‌ای به منظور تامین هزینه‌ها برای «آسایش زارعین و پیشرفت امور فلاحت و در عین حال انتظامات رودخانه‌هایی که طرف احتیاج مردم و خالصجات دولت است» تهیه و به مجلس پیشنهاد کرد.

ابتکار اصلی در این لایحه جایگزینی مالیات با بودجه مخارج اداره رودخانه‌های تحت نظر وزارت مالیه بود. به گونه‌ای که هزینه‌های جمع‌آوری شده از مالکان برای تامین هزینه‌های توزیع آب خود رودخانه باشد و نه به منظور مالیاتی برای درآمد دولت.

به طوری که در ماده اول لایحه نوشته شده بود: «از آب رودخانه های که توسط ادارات مالیه مربوطه به وسیله مامورین متخصص اداره می‌شود از ابتدای سال ... هیچ نوع مالیات از حقابه‌برها ماخوذ نخواهد شد».

در ماده دوم نیز گفته شده: «بودجه مخارج اداره کردن رودخانه‌هایی که وزارت مالیه تحت نظر می‌گیرد به علاوه مخارج سدبندی و غیره (با اطلاع وزارت فواید عامه) از طرف وزارت مالیه برای مدت هر سه سال تدون و به نسبت نهرهای آبی که صاحبان حقابه می‌برند نسبت به سنگ معمولی محل تقسیم و در اقساط معمولی سنواتی به عنوان میرابی وصول خواهد شد». حتی طبق ماده سوم عوارض فروش آب مازاد بر حقابه نیز نه برای دولت که برای صرف هزینه‌های رودخانه در نظر گرفته شده است. طبق ماده سوم «چنان چه فاضلابی پس از مشروب نمودن کامل حقابه‌برها موجود باشد توسط مامورین مالیه به فروش رسیده و وجوه حاصله برای ازدیاد آب و تکمیل سدبندی و مخارج دیگر رودخانه اختصاص داده خواهد شد». در ادامه این ادبیات به کار برده شده، ماده چهارم نیز از این جهت جالب توجه است که محل وجوه جمع‌آوری شده «حساب امانات» نامیده شده است. طبق این ماده «وزارت مالیه باید وجوه را به موجب قبوض مخصوص اخذ و در حساب امانات جمع و مطابق اسناد خرج مثبته به مصرف رسانیده محاسبه روشن نگاه دارد». در نهایت طبق آخرین ماده این لایحه نیز «وزارت مالیه مامور اجرای این قانون بوده و نظام‌نامه و سایر امور اداری رودخانه‌ها را تنظیم و به موقع اجرا خواهد گذاشت».

اداره .....

ل - ۵۵۲

وزارت مالیه

متحد المال وزارت ۱۹۸۲۵

سواد ..... نمره ..... مورخه ۱۲/۵/۱۳۰۱ وزارت اداره که اصل آن بنمره ..... ثبت شد

اداره مالیه آذربایجان

نظر باینکه اجرای ماده ۱۴ قانون املاک اربابی ودواب بمناسبت ذکر کلمه ابی مشکلاتی در مرکز تولید نموده لهذا برای حل موضوع کمسیونی در اوایل سال ۱۳۰۸ در وزارتمالیه تشکیل وکمسیون مزبور پس ازمطالعه دوسیه وسوابق امربارعایت اطراف وجوانب کار لایحه برای مجلس شورای ملی تهیه نموده که ذیلا درج میشود ـ

بعد العنوان ـ بطوریکه خاطرشما بندگان محترم مستحضر است درماده ۱۴ قانون ممیزی تصویب شده است که (پس ازممیزی درهرنقطه مطابق این قانون کلیه مالیات های مستقیم ارضی و(آبی) وحیوانی وسرانه وخانواری وبادارانه نقدی وجنسی وغیره وحق المرتع از مراتع عمومی غیر ازمراتع خالصه دولتی که عمال دولت ازاملاک واشخاص وحیوانات دریافت میکرده اند خواه بعنوان عوارض وخدمتانه وتحصیلداری وغیره بهراسم ورسم منسوخ وبجای انها مالیاتهای مصرحه در این قانون دریافت خواهد شد) در اثر تصویب این قانون مالیکین که ازرودخانهای جاجرود وکرج وکن وغیره دارای حقابه های رسمی دولتی بودند بمیزان حقابه که میبرده اند مبلغ ومقداری درسال بابت حقابه مطابق معمول سنواتی می پرداخته اند ازپرداخت ان باتکاء ماده ۱۴ قانون ممیزی که مالیات ابرا مسنوخ نموده است خودداری وبه مجلس مقدس شکایت نموده اند ـ نظربشکایات متواتره ورسیدگی هائیکه بعمل امده برای اسایش زارعین وپیشرفت امورفلاحت ودرعین حال انتظامات رودخانهاکه طرف احتیاج مردم وخالصجات دولت است وزارتمالیه مواد ذیل را پیشنهاد وتصویب ان را استدعامی نماید ـ

اداره ..... ل - ۵۵۲

وزارت مالیه

سواد صفحه دوم نمره ..... مورخه ..... وزارت / اداره که اصل آن بنمره ..... ثبت شد

ماده اول ـ ازاب رودخانهائیکه توسط ادارات مالیه مربوطه بوسیله مامورین متخصص ـ اداره میشود ازابتدای سال ۰۰۰۰ هیچ نوع مالیات ازحقابه برهاماخوذ نخواهد شد ۰

تبصره ـ بقایای تااول سال ۰۰۰ باید وصول کردد ۰

ماده دویم ـ بودجه مخارج اداره کردن رودخانهائیکه وزارت مالیه تحت نظر میکیرد بعلاوه مخارج سدبندی وغیره (بااطلاع وزارت فوایدعامه) ازطرف وزارت مالیه برای مدت هرسه سال تدوین وبه نسبتنهرهای ایکه صاحبان حقابه میبرند نسبت بسنك معمولي محل تقسیم ودر اقساط سنواتیت معمولي بعنوان میرابي وصول خواهد شد ۰

ماده سوم ـ چنانچه فاضلي آبي پس از مشروب نمودن کامل حقابه برهاموجود باشد توسط ـ مامورین مالیه بفروش رسیده و وجوه حاصله برای ازدیاد ابوت کمیل سدبندی ومخارج دیکر رودخانه اختصاص داده خواهد شد ۰

ماده چهارم ـ وزارت مالیه باید وجوه رابموجب قبوض مخصوص اخذ ودرحساب امانات جمع ـ مطابق اسنادخرج مثبته بمصرف رسانیده محاسبه روشن نکاهدارد ۰

ماده پنجم ـ وزارت مالیه ماموراجرای این اقانون بوده ونظامنامه وسایرامورادارى رودخانهارا تنظیم وبموقع اجراخواهد کذارد ـ

برای اینکه معلوم شود تصمیم کمسیون درولایات عملي ومصرفه وصلاح دولت خواهد بود یاخیر مقتضي استبارعایت مصالح مملکتي نظریات خودرا دراطراف لایحه فوق الذکر مشروحا ـ اشعاردارید ۰ محل امضاء ـ سواد مطابق اصل است ۰

[illegible]

این لایحه هیچ‌گاه تبدیل به قانون نشد. با تصویب قانون الغاء مالیات ارضی و دواب (۲۴ آذر ۱۳۱۳) اخذ مالیات ارضی (که مالیات حقابه نیز بخشی از آن بود) کاملا برداشته شد. همچنین چالش ماده ۱۴ قانون نیز از بین رفت و زمینه برای دریافت شکل جدیدی از آب‌بها فراهم شد.

ایفای نقش دولت در امور بهره‌برداری رودخانه دو چیز بود: مالیات‌ستانی و مدیریت دولتی رودخانه برای حل‌وفصل منازعات و ایجاد سوژه جمعی.

از این میان با تصویب قانون ۱۳۱۳ نقش مالیات‌ستانی از میان رفت و حضور دولت به موجب ضرورت ایجاد هماهنگی و رفع منازعات ادامه پیدا کرد.

andishkadeaab

با وجود تصویب نشدن لایحه، فرایند طی شده برای آن دو دستاورد مهم داشت:

۱- ایده مطرح شده در این لایحه، مبنی بر رسیدگی به امور رودخانه و دریافت هزینه حقابه به مثابه هزینه‌های میرابی و هزینه‌های رودخانه، و نه مالیات، مبنایی بود که بر مبنای آن دولت (از جمله بنگاه مستقل آبیاری) تا سال‌ها بعد بر اساس آن فعالیت کرد.

۲-نامه‌نگاری وزارت مالیه با ادارات مالیه مناطق طی سال‌های ۱۳۰۹ تا ۱۳۱۳ آرشیو خوبی از چگونگی اداره رودخانه‌ها در این دوره فراهم آورده است.

پس از ذکر مواد لایحه خطاب به ادارات مالیه ۲۹ ایالت و ولایت درخواست شده است که «برای اینکه معلوم شود تصمیم کمیسیون در ولایات عملی و به صرفه و صلاح دولت خواهد بود یا خیر مقتضی است با رعایت مصالح مملکتی نظریات خود را در اطراف لایحه فوق الذکر مشروحا اشعار دارید». تعدادی از ادارات مالیه در سال ۱۳۰۹ به این متحدالمال پاسخ دادند و ظاهرا متحدالمال به دست برخی دیگر از ادارات نیز نرسید. پس از پیگیری مجددا در سال ۱۳۱۳ پاسخ‌های ادارات مختلف تکمیل شد. از میان پاسخ‌های ارائه شده، برخی تنها به توصیف وضعیت میرابی و اخذ حق الشرب و مالیات در منطقه خود پرداختند ولی برخی نیز نظراتی درباره اصلاح لایحه پیشنهاد کردند.

پیشکار مالیه بروجرد و لرستان درباره لایحه نوشته است: «از مفاد مواد پیشنهادی به طور کلی این طور استنباط می‌شود که وزارت مالیه نظری در وصول مالیاتی از آب رودخانه‌ها ندارد و فقط مخارج سدبندی و مخارج مامورین تقسیم آب را با این قانون می‌خواهد تامین بکند. اگر منظور همین است که استنباط شده به عقیده بنده این زحمت زیادیست که دولت متحمل می‌شود. زیرا اگر دولت دخالت در عمل تقسیم و سدبندی نکند مالکین یا حق‌آبه‌برها خود در کمال میل و اختیار اقدام به بستن سد و تقسیم به بردن آب خواهند کرد و دخالت دولت عمل زایدی است. ولی اگر منظور این است که در ضمن این عمل از تقسیم آب بهای رودخانه‌ها چیزی اضافه ماند به عواید مملکتی کمک بشود تصور نمی‌رود که اضافه بماند. زیرا حقابه برها به تناسب کم و زیاد آب حقابه را خواهند برد و چیز زایدی مشکل بماند و اگر بماند هم مبلغ قابلی نخواهد بود.

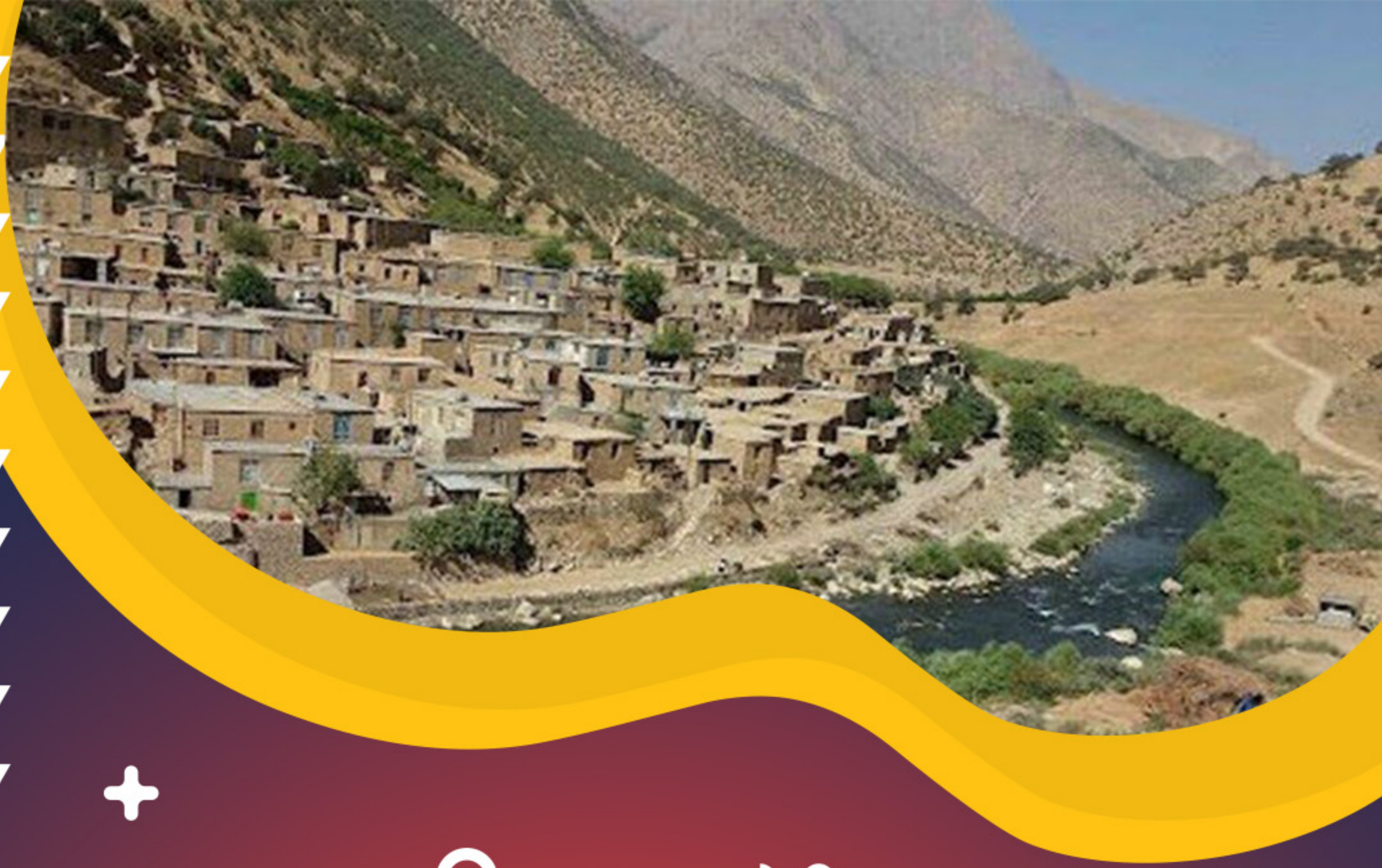

اما به طور کلی به عقیده بنده کلیه رودخانه‌ها که اموال عمومی شناخته می‌شود یکی از منابع مهم مملکت باید دانست. به طوری که ممکن است پایه و اساس مالیات ممیزی آتیه را روی آن گذاشت. وقتی تحقیق فرمایید قراء یا اراضی که با قنات مشروب می‌شود یا قراء و اراضی که از رودخانه‌ها مشروب می‌شود مخارجی که صاحبان قنات در سال متحمل می‌شود با مبلغ حق‌آبه که صاحبان املاک که از رودآبه مشروب می‌شوند مبلغ متنابهی فرق معامله است. مثلا یک ملکی که دارای هزارجریب زمین است برای مخارج قنات آن زمین در سال کمتر از دویست الی دویست و پنجاه تومان خرج قنائی نمی‌کند و حال آن که اشخاصی که هزار جریب زمین در زیر یکی از رودخانه‌ها دارند منتهی ده تومان یا پانزده تومان الی بیست تومان حقابه می‌دهند. در مالیات ممیزی فعلی هم هر دو مساوی صدی ۳ مالیات می‌دهند.بنابر مقدمه فوق این اداره عقیده‌مند است که برای آب‌های رودخانه باید مالیاتی قائل شد. از روی ماخذ سنگ دیوانی و در این صورت ماده اول پیشنهاد که برای مجلس تهیه شده لزومی نخواهد داشت».

امین مالیه‌های سمنان و دامغان نیز نظر مشابهی با مالیه بروجرد و لرستان داشته‌اند و آن‌ها نیز ضمن موافقت با دریافت عادلانه مالیات حقابه رودخانه‌ها به نفع دولت، دلیل آن را این می‌دانستند که رودخانه‌ها مالک خصوصی نداشته و کسی آن‌ها را احداث نکرده یا مخارجی صرفشان کرده است و بر خلاف این مالکان، صاحبان قنات ضمن تحمل مخارج گزاف در احداث و لایروبی قنوات، مالیات برابری با مالکین بهره‌بردار از رودها و چشمه‌ها نیز می‌پردازند. در سمنان وظیفه میرابی بر عهده دولت نبوده و خود مالکین میراب‌ها را انتخاب کرده و آب توسط آن‌ها میان آب‌بران تقسیم می‌شد. با وجود نقش نداشتن دولت و تامین آب از چشمه‌ها (و نه قنات)، سازوکاری که در قانون ممیزی برای مالیات بر فروش آب قنوات در نظر گرفته شده بود، توسط مالیه سمنان برای آب چشمه اعمال می‌شد.

رئیس مالیه سمنان طی نامه دیگری در توضیح این موضوع می‌گوید: «آب شهر سمنان و محلات تابعه از چشمه‌های موسوم به کل رودبار که در چهار فرسخی سمت شمالی سمنان واقع است جاری و آب مزبور در رودخانه که از ریز کل رودبار تشکیل و تا نیم فرسخی سمنان امتداد دارد عبور نموده و وارد تقسیم می‌گردد و از آن جا به چندین قسمت مقسیم و به انهار مختلفه که در مقسم مزبور احداث شده جریان یافته و به صحراهایی که قدیما برای تمرکز آب تهیه شده است وارد می‌شود و پس از پر شدن اصطخرهای مزبور به وسیله میراب‌های مخصوص که از طرف مالکین آب گمارده شده اند آب مزبور تحت یک قاعده و اصول منظمی به نسبت مالکیت هر کسی در روزهای معین تقسیم و زراعات آن‌ها مشروب می‌گردد و چون آب مزبور دارای مالک عمده و خورده می باشد در نهرهایی که آب جریان دارد هر کسی به قدر سهم خود استفاده نموده و کسی دارای حقابه مخصوص نیست که مالیاتی به عنوان میرابی وضع و دریافت گردد و به علاوه در موقع اجرای قانون ممیزی به کلیه آب سمنان صدی سه و نیم مالیات وضع و دریافت می‌شود. با وصول صدی سه و نیم مالیات فعلی اصولا برقراری مالیات حقابه در حوزه سمنان به صرفه و صلاح دولت نخواهد بود».

مالیه خراسان نیز پس از ذکر سه دسته رودخانه‌های سرحدی [با شوروی]، رودخانه قوچان و رودهای خسفرود و فاروب‌رومان نیشابور که بابت آن‌ها مالیات گرفته می‌شود، بیان می‌کند: «در سایر رودخانه که بین مالکین قراء مشترک است مالیه نظارت ندارد و شاید هم اقتضای مداخله را فعلا ندارد. زیرا اولا امور خلاف انتظاری در آن رودخانه نیست. ثانیا دخالت دولت مختاج به تحمل یک نوع مخارج و تحمیل آن به رعایا و این مساله موجب تولید دردسر بی نتیجه خواهد بود. در این صورت اجرای این لایحه در خراسان برای سه فقره معروضه فوق عجالتا موردی پیدا نمی‌کند». مالیه خراسان در نامه دیگری توضیحات تکمیلی درباره ویژگی‌های خاص رودخانه‌های خراسان ارائه می دهد.پیشکار مالیه این ایالت تفکیکی میان رودهای دولتی که تماما در اراضی دهات خالصه جریان یافته با رودهای غیر دولتی که دولت صرفا به منظور ترتیب دادن امور به میرابی آن‌ها پرداخته تمایز قائل می‌شود.

andishkadeaab

«حقابه که از رودخانه‌ها گرفته می‌شود نوعا متمایز است. حقابه کرج و جاجرود و کن و سایر رودهای اطراف طهران که مالکیت دولت در اصل آب‌ها محرز نیست در سابق و قدیم‌الایام عنوان حق‌النظاره داشته و اخذ آن برای تنظیم عمل آبیاری املاک و رفع اختلافات حاصله بین مالکین قرائی که از رودخانه‌های مزبور مشروب می‌شوند بوده است. ولی در بعضی از نقاط دیگر من جمله خراسان حقابه ای که گرفته می‌شود از بابت خالصگی و حتی مالکیت دولت در آب رودخانه است. در حوزه خراسان حقابه از رودخانه فاروب رومان نیشابور که فعلا به ملکیت آقای قوام شیرازی واگذار شده دریافت و حقابه ثلث آب رود اترک هم که به قرار سالی هفت هزار ریال به بلدیه قوچان اجاره داده شده به همین عنوان است.

www.iwpri.ir

با این تفصیل لایحه‌ای که در موضوع ترتیب وصول حقابه جهت اداره نمودن رودخانه تهیه فرموده‌اند در مورد رودهایی که حقابه آن‌ها از ریشه عنوان حق‌النظاره دارد ممکن است در تامین منظور وزارت مالیه مفید واقع شود. لیکن راجع به قسمت دیگر که خراسان هم از همان قبیل است چون حقابه دریافتی از بابت خالصگی و به عنوان حقوق مالکانه است به عقیده این اداره ماده ۱۴ قانون مالیات املاک اربابی و دواب اصطکاکی با آن نداشته. اجرا ترتیب مذکور به لحاظ مالکیت نسبت به این گونه رودخانه‌ها مورد نخواهد داشت».

میرابی در زاینده‌رود صحنه گسترده‌تری از اعتراضات و کشمکش‌ها میان کنشگران مختلف در اصفهان بود.
به همین دلیل تاریخ شکل‌گیری بروکراسی دولتی در این رودخانه را با تفصیل بیشتری مرور می‌کنیم.
اسنادی مربوط به دوره قاجار نشان می‌دهد اگر چه وظیفه میرابی در اختیار حکومت اصفهان بوده، اما دولت مرکزی در تعیین میراب گاهی اعمال نظر داشته است.
در نامه سال ۱۲۷۸ هجری قمری دیوان اعلی، از احتشام‌الدوله (خانلر میرزا، حاکم اصفهان) خواسته شده که «عالیجاه محمدحسین‌خان قاجار را بخدمت میرابی زاینده‌رود از جانب دیوان اعلی مامور اصفهان است».
در سال ۱۳۰۴ به دنبال اعتراض کشاورزان بلوک‌های پایین‌دست زاینده‌رود، پیگیری نماینده مجلس شورای ملی و پیشگام شدن عده‌ای مالکان و متنفذین، کابینه وزرای اعظم وزارت مالیه را مامور به میرابی زاینده‌رود می‌کند.

محمد دهکا

عالیجاه محمد حسین خان قاجار رئیس بیت بیرالی زاینده رود از طرف دیوان اعلی مامور اصفهان است

وزارت مالیه

اداره: عایدات دولتی

دایره: بهره برداری

بتاریخ ۱۴ برج اسد ۱۳۰۵

نمره ۴۹۶۱۳ ضمیمه

۱۴۴/۱

ریاست محترم کابینه وزراء عظام

عرض حالی به زارعین بلوک جی - گوگرد - براآن - رودشتن اصفهان مبنی بر شکایت از تعدی و اجحاف

متصدیان نسبت به تقسیم آب رودخانه زاینده رود بکارپای اعلیحضرت شاهنشاهی تقدیم داشته و بنمره ۱۴۲۷۹ ، مورخ اقلیم

آنشنبه وارد دفتر کابینه محترم گردیده برای رسیدگی ارجاع فرموده اند ملاحظه گردید مذکور از حسن سیاست در این موضوع

در جواب مرقومه شریفه نمره ۸۲۸۴ ، مورخ ۲۱ مهر ، شرحی بنمره ۳۰۰۹۳ ، مورخ ۱۷/۸/۳۰۴ اداره کل دارائی

به ادارات مالیه اصفهان دستور مقتضی در تدبیر و تنظیم تقسیم آب رودخانه زاینده رود بر طبق نقشه و طومار قدیم و حکومتی

از بنا و زارعین نسبت به زارعین زیردست دلگشا - و بمشکلات مزبور نیز اعلام گردیده به ادارات مالیه کل مراجعه

نمایند اکنون نیز در اجرای دستور سابق بمالیه اصفهان تاکید گردیده بر طبق تقاضای زارعین موافق نقشه و طومار

قدیم حقابه زارعین را رسانیده و در موقع شکایت آنها اهتمام مخصوص بعمل آورد

رونوشت

رونوشت صحت است

رئیس دفتر وزارت

بتاریخ ۱۸/۱/۵

نمره ۴۶۱

۱/۱۶

ل — ۵۵۰

اداره مالیه اصفهان در نظم و نسق دادن به زاینده‌رود گام‌های مهمی برداشت.

اما این اقدامات همراه با اعتراضات و مخالفت‌های بسیار، به ویژه در بلوک لنجان بود.

نهایتا، مالیه از سال ۱۳۰۷ از حکومت اصفهان خواست که وظیفه میرابی را خودش بر عهده بگیرد تا مالیه از این دردسر معاف شود. درخواست‌های مکرر نهایتا موجب شد که از ابتدای ۱۳۰۹، حکومت اصفهان مجددا میرابی را بر عهده بگیرد.

نامه استعفای مالیه از امور میرابی زاینده‌رود
اگر چه این درخواست در سال ۱۳۰۷ مطرح شد، ولی بالاخره ۱۳۰۹ حکومت اصفهان میرابی رودخانه را بر عهده گرفت.

این سند اسامی میراب‌هایی را که در دوره اداره حکومت اصفهان منصوب شده‌اند ذکر کرده است.

وزارت مالیه

تاریخ ۷/۱/۵ ماه ۱۳۰۷

نمره ۹۳۵۵

ضمیمه سواد تلگرافی

اداره به اصفهان

دایره بلدیه

حضرت دیگرلت جناب سلطنت مآب اکرم آقای حکمت حکمران اصفهان دام اقباله

تلوگرام تلگرافی وزارت جلیله را برای استحضار خاطر عالی ارسال می‌دارد

اداره به حسب الحکم از این ببعد هر خلعه در کارخانه نخواهد داشت و شعبه مباشر

و اجرا و سوابق امر تقسیم آب را جنب حکومت جلیله می‌گذارد همین است

سریعاً ترتیب انتقال آنرا مقرر فرمایند ✓ مکاتبه به اصفهان

رضوی

۳۰۲

جواب صادر گردد

در این خصوص تاکنون دستوری از طرف وزارت جلیله

رسیده است و تا دستوری از آن وزارتخانه

نرسد از مجری آن معذوریم ۱۳۰۷/۱/۵

۱۲۷۰

۱۱ ماه ۱۳۰۸

بموجب حکم ۴۳۶۳۹

وزارت مالیه

اداره مالیه اصفهان

دایره .....

اداره جلیله حکومتی

خاطر محترم را متذکر میدارد که بموجب حکم نمره ۴۳۶۳۹ وزارت جلیله مالیه که بر آن ضمیمه است اداره مالیه اصفهان از اول سال آتی از مداخله مستقیم در امور داخل روضخانه رانیده و حق داری ندارد و لزوماً موارد زیر را بعرض میرساند.

اولاً - در فقره (۲) حکم فوق الذکر دستور داده اند نظر بنکه ایالات سابقه حقی در امور روضخانه دارند در مواقع لزوم با دایره محترمه حکومتی داخل مربوطه مساعدتهای فکری بنماید. اداره مالیه برای این امر حوزه را مربوط به بذل مساعدتهای فکری میداند:-

ثانیاً - نظر بنکه مطابق بودجه شعبه میاه سوای حقوق دفتری سالیانه است) مخارج داخله روضخانه همه ساله (۸) ماه تا آخر ایام از طرف نمایندگان مالکین تعیین میشود و در نه بسته برای بازکاری روشتن شعبه میاه تکلیه آزادیم بحسب تقاضای آب بر و دستورات مشغول بعهده اند و مبلغ ۸ تومان اضافه مخارج شده بموجب لیست ضمیمه تا آخر آذرماه با ملاحظه صرفه جوئی قرب ۱۵ سال کسری بودجه و کارکنان شعبه مقروض است ولی بقایائی در محل در دست مشغول وصولی است پس از وصول بهتر است از مبلغ فوق الذکر و باقی حقوق تشخیص خواهد شد.

ثالثاً - در صورتیکه تمام بقایای محل وصولی تا آخر آذرماه قرض شعبه میاه پرداخته شود حقوق دفتر شعبه بموجب لیست ضمیمه تا آخر ایام مبلغ ۱۵ تومان باقی است که برای تکلیه تفاوت آبیاری روشتن بهر محلی است باید منتهی قرضه سنه ضمیمه شعبه در نزد کارکنان محترم در بودجه نه نوشته منظور داشته اند در سنه آتی هم بتمه قرضه ماده (۲) فوق هرچه ایجاد شود خرد بودجه ننوشته منظور در آورد شود.

رابعاً - برای سهولت و جریان امور روضخانه و جریان اداره شرعی خالی از اهمیت و اشکال نیست اعضاء دفتر شعبه میاه را در اطلاعات کافی دارند و از اعضاء سابقه هستند و بنظریات دفتری حکومت جلیله در جریان کلیه امور بطور صحت دارند و این اعضا میتوانند اداره کنند بموجب لیست ضمیمه محضر محترم معرفی مینماید.

سنگار مالیه اصفهان

سنه تا آخر سال دویم اسد الله بطوری که الله و حمد کرده الله مرسل است

خلاصه طرز تقسیم آب رودخانه زاینده رود طبق طومار زمان سلطنت صفویه سال ۹۲۳ که مرحوم شیخ بهائی علیه الرحمه تهیه نموده

۱ـ دهستانهائیکه از آب رودخانه زاینده رود مشروب میشوند

لنجان علیا وسفلی ـ ماربین ـ جی وبرزرود ـ کراج ـ براآن ـ رودشتین (توضیح لنجان وماربین ـ جی و برزرود درقسمت بالای شهر وکراج وبراآن ورودشتین درقسمت پائین شهر اصفهان واقع شده اند)

۲ـ ایامی که درسال طبق طومار از آب زاینده رود استفاده میشود ۱۶۵ روز بشرح زیر

نیمه دوم خرداد	۱۵ روز	
تیر	۳۰ روز	
مرداد	۳۰ روز	توضیح انکه ۱۶۵ روز را به ۳۳ سهم از قرار هر سهمی پنج روز تقسیم کرده اند
شهریور	۳۰ روز	
مهر	۳۰ روز	
ابان	۳۰ روز	
	۱۶۵ روز	

۳ـ سهام دهستانها از رودخانه زاینده رود طبق طومار

رودشتین ـ ۶ سهم	از ۷۶ نوروز لغایت نودم	۱۵ روز
	ازنیمه عقرب الی اخر	۱۵ روز
لنجان ـ ۱۰ سهم		
ماربین ـ ۱۰ سهم	این دهستانها هنگام قلت اب آب را ونش مینمایند	
کراج ـ ۱۰ سهم		
براآن ـ ۴ سهم		
جمع ۳۳ سهم		

۴ـ تعیین نمایندگان دهستانها

طبق طومار هردوسال یکمرتبه ازطرف دهستانهای نامبرده بالا مطابق سهامیکه از آب رودخانه دارند هرسهمی یکنفر نماینده ازطرف کلیه مالکین انتخاب میشود که جمعا ۳۳ نماینده خواهند بود این نمایندگان بودجه دایره میرابی وطرز عمل راتعیین وحقوق کارمندان ومستخدمین مربوطه را معلوم مینمایند :

۵ـ اشخاص ومقاماتیکه حق دخالت درامر آب رودخانه را داشته اند

مطابق طومار اداره کردن امورمیاه بعهده یکنفر معتمد ومعتبر ازاهالی بلوک جی باید باشد

ازسال ۱۳۰۴ با مرد ولت تا ۵ سال اداره امورمیاه بعهده اداره دارائی مالی بوده است

ازسال ۱۳۰۹ حسب درخواست مالکین دهستانها وامریه جناب آقای حاج مخبرالسلطنه نخست وزیر وقت اداره کردن امورمیرابی زاینده رود عهده مامورین وزارت کشور قرار گرفته

متصدیان مربوطه دراین مدت بشرح زیر بوده اند که با حکم ودستور فرماندار وقت تعیین میشده اند

۱ـ آقای احمد خواجوی تقریبا سه سال ۲ـ آقای شکراله شیرانی تقریبا سه سال ۳ـ اقای صدری فعلا هم متصدی هستند .

تا سال ۱۳۲۰ که امور رودخانه در سراسر کشور به وزارت کشاورزی محول شد، حکومت و بلدیه اصفهان متولی اداره رودخانه بودند. اما همچنان اعتراضات کشاورزان بلوک‌های مختلف ادامه داشت و گاهی از مالیه درخواست می‌شد تا مجددا میرابی رودخانه را بپذیرد.

در سال ۱۳۱۶ عده‌ای از مالکان و کدخدایان اصفهانی از اداره مالیه درخواست کردند که اعمال مدیریت مجدد بر رودخانه داشته باشد و وزارت داخله نیز تغییر مجدد مدیریت رودخانه از حکومت اصفهان به مالیه را پذیرفت. به دنبال این درخواست اداره مالیه اصفهان نامه‌ای به ریاست کل مملکتی می‌نویسد و وضعیت اداره رودخانه را توضیح می‌دهد.

«[امور آب رودخانه زاینده‌رود] سنوات قدیمه به وسیله حکام وقت اداره می‌شده. یعنی کسانی که خودشان در تقسیم آب ذی‌نفع و از مالکین عمده بودند و شکی نیست که میزان حقابه‌ها را به مرور زمان در اثر نفوذی که داشتند تغییراتی داده و از صورت اولیه خارج کرده‌اند و همین مساله موجب شکایت مکتوبه آبخورهای بالادست و زیردست شده و همه ساله تجدید شده است.

در ده سال قبل در اثر این شکایات و تقاضایی که نموده بودند عمل تنظیم آب زاینده‌رود به مالیه اصفهان واگذار شده. ولی مالیه هم با اقداماتی که به عمل آورد نتوانست رفع اختلافات را بکند. چه مالکین زیردست رودخانه متکی به فرمانی که طبق اظهار خودشان از شاه طهماسب است می‌باشند که مواد آن را در دست داشتند و تقاضا دارند تقسیم آب از آن قرار معمول شود. مالیه هم از نظر اینکه اولا تقسیمات مزبور مربوط به ششصد سال قبل و با تغییراتی که املاک در این مدت حاصل کرده با وضعیات فعلی و مقتصات امروزه تناسب ندارد و ثانیا در صورت قبول تقاضای آنها یک عده از املاک بالادست رودخانه به واسطه مشروب نشدن از بین خواهد رفت نتوانست اختلاف آنها را رفع کند و این ترتیب همه ساله ادامه داشته و همه ساله در موقع آبیاری هر دو قسمت نسبت به تخطیات یکدیگر شکایت می‌کنند. از طرفی هم چون کار پر جنجال و پر زحمتی بوده و قسمت زیادی از اوقات مالیه را می گرفته، مالیه تقاضای واگذاری عمل را به حکومت کرده و حکومت محلی پس از چندی که از کشمکش مالکین و آبخورها و اختلافات و شکایات آنها خسته شده تقاضای ارجاع عمل را به مالیه کرده است و از چند سال قبل به این طرف همین ترتیب ادامه داشته که گاهی مالیه مداخله داشته و گاهی حکومت

و هیچ یک از تصدی این کار راضی نبوده‌اند و تا به حال نتوانستند رفع اختلافات را کرده و به شکایات آنها خاتمه دهند. این است که اخیرا وزارت جلیله داخله بر حسب تقاضای حکومت اصفهان با انتزاع عمل از حکومت و واگذاری آن به مالیه موافقت نموده‌اند».

وزارت داخله

اداره انتظامات

دایره .....

بتاریخ ۹ ماه ۷ سنه ۱۳۳۴

نمره ۳۳۷۷۳ ضمیمه .....

۱۱۶۷۸

۴۹۳۷ / ۱۳۳۷/۷/۱۵

وزارت مالیه

حکومت اصفهان بجهت تنظیم و تعدیل تقسیم آب زاینده رود تقاضا کرده است
سیرابی رودخانه نیز بوده با دارائی مالیه اصفهان واگذار و تقسیم آب طبق مقررات مربوطه
تحت نظر مالیه آنجا واقع و از دارائی شود وزارت داخله نیز با پیشنهاد نیروی اسوا فق
و نظریه حکومت را تأیید مینماید تصمیم است در اینباب اولیای مربوطه بمالیه اصفهان
صادر و از تعلیمات صادره بوزارتی نیز راهنما مطلع نمایند.

وزیر داخله

محرمی

اداره کل عایدات وزارت مالیه
شماره ۱۰ تاریخ ۱۳۳۷
نمره ۲۹۲۱۴

۱۳۳۷/۷/۱۰

اداره محترم سیم دارد محرمانه

اداره کل عایدات مملکتی و املاک

۱۳۳۷/۷/۱۵

۲۴۳۱۵

۱۳۳۷/۷/۱۱

محرمی ۱۳۳۷/۷/۱۵

سیم

۱۳۳۷/۷/۱۱

آقای میرزا

از سابقه در امر مرضی نیست
شرح بالا به اصفهان نوشته شود که جهت رودخانه و تقسیم آب آنجا نهایت دقت را دارد
میکرد. این نظر را که داده. از هر چه از جهت نظر و اعلام مالیه دارائی نامه سابق شده با تطابق
خصوصا علی را ارایه شده و اداره سابقه را بطور کلی مرتب نمایند ۱۳۳۷/۷/۱۵

گرفتاری موضوعات مربوط به رودخانه باعث می‌شد حکومت اصفهان هم مایل باشد امور رودخانه به مالیه برگردد.

۵۱۳۱

۴۹۲۷
۱۳/۷/۱۵

بتاریخ ۹ ماه ۷ سنه ۱۳۱۳

نمره ۳۳۷۷۳ ضمیمه .....
۱۱۶۷۸

وزارت داخله

اداره انتظامات

دایره .....

وزارت جلیله مالیه

حکومت اصفهان بجهت تنظیم و تعدیل تقسیم آب زاینده رود تقاضا کرده است
سیرابی رودخانه نیز بوزارت مالیه اصفهان واگذار و تقسیم آب طبق مقررات مربوطه
تحت نظر مالیه آنجا واقع و ادارات شعب وزارت داخله نیز با هیئتهای نیروی انتظامی
و نظریه حکومت را تأیید مینماید تصمیم است در اینباب اولیاء امر لازمه بمالیه اصفهان
صادر و از تعلیمات صادره بوزارتی نیز راهنما مطلع نمایند.

وزیر داخله

اداره کل عایدات
وزارت مالیه
شماره ۱۰۳۰۷ تاریخ ۱۳۱۳
نمره ۲۹۲۱۴

۱۳۱۳/۷/۱۰

رئیس کل عایدات

بادداشت طلعت مکتوب شما
۱۳۱۳/۷/۱۵

۱۳۱۳/۷/۱۶

۱۳۱۳/۷/۱۱

۲۴۳۱۵

اگر مرا
اگر سابقه در امر مرضی نیست
بوالیه اصفهان نوشته شود که جهت رودخانه و تقسیم آب آنجا نهایت دقت
میکرد. این نظر را که داده. انشاء از جهت نظر و اهتمام مالیه و کشاورزی نامه مناسبی بنظر
قصد شما را ارایه کرده و اگر سابقه را بطریق مرسوله ۱۳۱۳/۷/۱۶

andishkadeaab

رئیس خالصجات کشور پس از خواندن درخواست حکومت اصفهان و وزارت داخله اعلام می‌کند که پذیرفتن این امر برای مالیه زحمت‌های بسیاری دارد و از پذیرش درخواست مالکین اصفهانی و حکومت اصفهان و وزارت داخله پرهیز می‌کند.

نوع مسوده مکتب

موضوع مسوده آب رودخانه زاینده رود

ضمیمه

مسئول پاکنویس

وزارت مالیه

اداره کل عمارات و مطالبات

دایره ..... شعبه .....

۲۹۲۱۴ ی

۳۷۸ ی

۲۲۷۴

ر ۴ مهر ماه ۱۳۱۴ تاریخ پاکنویس ..... ماه ..... تاریخ ثبت ۲۵/۷/۱۳ ماه

تاریخ خروج ۲۸ ماه ۷ سال ۱۳۱ ۲ ۲۸/۷/۱۳

وزارت جلیله داخله

اداری

در جواب مرقومه ۱۱۵۷۸/۴۴۷۷۴ راجع بآب رودخانه زاینده رود و رفع شکایت

۹-۷-۱۳

حکومت اصفهان تقاضا دارد که امور مربوط به رودخانه مزبور بمالیه واگذار شود جهت جلوگیری از

بگرفتاری زیاد و تکالیف مالیه نیست، بلکه وصول و اتصال مالیات عهده دار است و حال مالیه در امر آبیاری

تقصیری نیست لهذا استدعی است مقرر فرمایند حکومت اصفهان در تنظیم و تقسیمات آب زاینده رود

کلاً به اسلاف اقدام و در حال نمایند ۲.۴

رئیس کل عمارات

۷/۲۴

وزارت مالیه

۱۳۱۴/۷/۲۶

این وضعیت تا سال ۱۳۲۱ ادامه پیدا می‌کند و در این سال امور میرابی زاینده‌رود به اداره جدیدالتاسیس کشاورزی واگذار می‌شود.

تاریخ ۱۳۲۱/۸/۱۳ ماه

شماره ۴۵۳۰ / پ عوست

۷۷۳۸۱

وزارت کشور

اداره عمران

دایره

۳۲/۱/۹

۴۶

استانداری دهم

عطف به نامه شماره ۲۱/۹/۵/۱۰۲۱۸ راجع بواگذاری امور ابیاری زاینده رود به کشاورزی اصفهان :

نظر وزارت کشاورزی در اینباب استعلام گردید بطوریکه اطلاع میدهند طبق قانون ابیاری که در مجلس شورای ملی مطرح است کلیه کارهای ابیاری کشور در سازمان مخصوصی در وزارت کشاورزی جمع خواهد شد و اداره امور زاینده رود هم طبعا جزء همان سازمان خواهد آمد بنابراین تفویض امر مزبور از حال به اداره کشاورزی محل مانعی نخواهد داشت قدغن فرمائید اقدام لازم بعمل آورده نتیجه را اعلام دارند.

وزارت کشور

[illegible]

[illegible] کشاورزی [illegible] تحویل [illegible]

[illegible] ۲۰/۱۲/۳۱

بازگردیم به نامه‌نگاری‌های کمیسیون مربوط به لایحه و متحدالمال با ادارات مالیه.

اداره مالیه اصفهان در پاسخ به استعلام متحدالمال دو نامه نوشته است:

«موضوع حقابه در اصفهان فوق‌العاده مهم و قابل توجه است و با این که سابقا تقسیم آب زاینده‌رود با اداره مالیه بوده و حقابه هم به نفع دولت جمع‌آوری می‌شده در چندی قبل به مناسبت غیر معلومی تنظیم آب به اداره حکومتی ارجاع و اداره تشکیل شده به عنوان اداره میاه و رئیس اداره مزبور بدون اطلاع و مداخله مالیه مبلغی از بابت حقابه می‌گیرد و بین خود و اعضا اداره خود تقسیم می‌نماید. در هر صورت متمنی است طرز عمل مالیه طهران را نسبت به رودخانه‌های کرج و غیره مرقوم و معین فرمایید از اراضی مزروعی به چه نسبت حقابه گرفته می‌شود».

مالیه اصفهان در نامه دوم پاسخ خود را با شرح بیشتری درباره رودخانه زاینده‌رود و میرابی در آن بدین شرح بیان می‌کند:
«موضوع حقابه‌بری رودخانه زاینده‌رود اصفهان به علت این که سال‌های متمادی تحت نظارت و مراقبت دولت و مقامات صلاحیت‌دار نبوده بی‌ترتیب و حتی در سنوات اخیره هم که چندی اداره مالیه و حکومت جلیله اصفهان تنظیمات حقابه رودخانه مزبوره را در دست گرفته‌اند اصلاحات اساسی در تنظیم حقابه به عمل نیامده است و فقط در هر سال مالکین املاک آبخور زاینده‌رود مبلغی برای مخارج میرابی پرداخته و تحت نظر کمیسیونی مرکب از نمایندگان مالکین به مصرف رسیده است.

مدرک تقسیمات آب زاینده‌رود طوماری است که ظاهرا در زمان شاه طهماسب تنظیم گردیده و در آن اوان مورد عمل بوده و نسبتا طرز تقسیم‌بندی حقابه مطابق طومار مزبور در ازمنه قدیمه منظم بوده است ولی به مرور ایام چون مواخذه در کار نبوده از طرف مالکین متنفذ وقت تجاوزاتی نسبت به حقابه دیگران شده است. مثلا نهری که طبق طومار یک سهم از سیصد سهم را محق بوده اکنون متجاوز از سی سهم آب می‌برد و این تجاوزات در بلوک املاک بن‌آب تاثیرات زیاد داشته و به تدریج انهار را از حیز انتفاع و استفاده انداخته است و در نتیجه مداخله جدی دولت در امر رودخانه زاینده‌رود و جلوگیری از اجحافات متنفذین قدم بزرگی برای بهبودی اوضاع اقتصادی اصفهان برداشته می‌شود و اراضی اطراف شهر که در نتیجه تعدیات مالکین بالادست سال‌ها زراعت نشده مجددا آباد و قابل استفاده خواهد شد.

منظور از مقدمات فوق این است که امر آبیاری زاینده‌رود را بایستی دولت تحت نظر گرفته و با صرف سرمایه و تحت نظر مهندس متخصص بدهد و درب نهرهای مشقه از رودخانه را سدبندی نموده و حقابه هر یک را در خور احتیاجات ضروری املاک تعدیل نمایند و سپس امر تقسیم‌بندی آب را به وسیله مامورین مخصوص تحت نظر گرفته و

مراقبت در حسن جریان عمل بشود. بدیهی است در نتیجه این اقدام اضافه آبی حاصل خواهد شد که نتیجه آن عاید دولت خواهد شد و مخارج اداره رودخانه را هم مالکین کماکان باید متحمل شوند و برای این که مخارج میرابی ثابت باشد تا این که اختلافی بین مالکین و مامورین مالیه در تعیین مبلغ حاصل نشود متقضی است مقرر شود که از هر جریب هزار ذرعی بیست و پنج دینار حق میرابی گرفته شود و البته میرابی از کسانی گرفته خواهد شد که حقابه دارند ولی اضافه آبی را که در نتیجه تنظیم امر رودخانه حاصل می‌شود به قیمت بیشتری باید به فروش رساند».

رئیس اداره مالیه اصفهان

اما همان‌طور که گفته شد مکاتبات بعدی نشان می‌دهد مالیه اصفهان بعد از تجربه ۵ ساله، تمایلی برای پذیرفتن دردسرهای بی اندازه‌ی این کار نداشت.

اوضاع اداره رودخانه‌ها در گیلان نیز مشابهت‌هایی با زاینده‌رود داشته است. مالیه گیلان نیز ضرورت تبدیل لایحه به قانون را ذکر می‌کند و خواستار تغییر در رویه‌های مربوط به میرابی رودهای گیلان است؛ چرا که اکنون متنفذین محلی موجب ضرر و خسارت و گرفتاری مالکان شده‌اند. متن پاسخ مالیه گیلان بدین شرح است: «اقدام در تنظیم تقسیم آب رودخانه‌ها که در تقسیمات آن هر ساله شاربین در زحمت هستند از طرف دولت ضروری است. زیرا علاوه بر این که خلاف انتظاماتی از این حیث در قراء و مزارع حوالی رودخانه‌ها رخ می‌کند که مامورین را هم دچار زحمت دارد بی‌ترتیبی و ستم‌شریکی‌هایی که واقع می‌شود و به مزارع به طور مرتب آب نمی‌رسد دچار خشکی محصول و نکس عایدات می‌شوند که در نتیجه یا منجر به دادن تخفیف مالیاتی شده یا عدم استطاعت زارع را و خورده مالک فراهم می‌شود که وصول مالیات آن‌ها دچار اشکال است.

andishkadeaab

به طوری که در حوزه گیلان مطالعه شده است اجرای این قبیل اقدام ضرورت کامل دارد. زیرا عمل تقسیم آب رودخانه‌ها در گیلان زحمت کلی برای مردم و دولت کرده و هر ساله هم تخفیفات مالیاتی که داده می‌شود قسمتی از آن از نتیجه بی ترتیبی امر رودخانه‌ها است و اشکالی هم در اجرای سواد لایحه نیست. چنان چه وزارت جلیله رودخانه هایی را که درصدد هستند پس از تصویب لایحه تحت نظر بگیرند، رودخانه سفیدرود گیلان اهمیت فوق‌العاده را داراست که دوسیه و سابقه طولانی دارد و اخیرا نیز بی‌ترتیبی که برای هذه‌السنه فراهم شده بود راپورت مشروحی در تاریخ ۹/۵/۱۲ به عنوان اداره تشخیص عایدات ارسال داشته است که اقتضا دارد مورد توجه قرار دهد.

زیرا مالکین گیلان اکثرشان انتظار دارند که دولت در امر میرابی گیلان دخالت کامل نماید و آن‌ها را از گرفتاری‌های سنواتی و مداخلات اشخاص و میراب‌های متنفذ رهایی دهد. در بلوکات دیگر هم مثل لاهیجان و لنگرود و طوالش رودخانه‌های دیگری هست که اهمیت آن‌ها کمتر از رودخانه سفیدرود است ولی آن ها هم در تقسیم آب هر ساله محتاج هستند به میراب‌های متنفذ سابق و دچار اشکلات هستند و مبالغی هم هر ساله وجه میرابی از مالکین ماخود می شود و با بی‌ترتیبی و اخلال امر آب را در اختیار دارند که در آن‌ها نیز دخالت و توجه دولت لازم است».

همچون گیلان، در مازندران نیز انجام امور میرابی از سوی دولت ضرورتی بوده و این ضرورت از سوی مالکین و زارعین نیز پذیرفته شده است. با این حال تصویب قانون ممیزی فرصتی در اختیار آن‌ها قرار داده بود تا حاضر به پرداخت هزینه‌های میرابی به مالیه نشوند و از طرف دیگر انتظار داشته باشند مالیه از بودجه خود این وظیفه را انجام دهد. چالش میان ضرورت میرابی و عدم پرداخت بهای آن موجب نامه نگاری‌های متعددی میان مالیه مازنداران و وزارت مالیه شده است تا وزارت مالیه تعیین تکلیف کند. امری که تا مدت‌ها به صورت مساله‌ای حل نشده باقی مانده بود. در پاسخ به استعلام مربوط به لایحه، رئیس مالیه مازنداران پاسخ خود را بدین شرح بیان کرده است:

برای استحضار موضوع وصول عوارض میرابی رودخانه‌های ذیل که از سنه ۱۳۱۰ به واسطه خاتمه ممیزی قراء اربابی به استناد و اتکا ماده ۱۴ قانون مزبور مورد اعتراض مالکین واقع شده و در هذه السنه وصول آن طبق حکم شماره ۵۵۸۸۶ تاریخ ۱۳۰۸/۱۲/۲۲ وزارتی بدون پرداخت کلیه مخارج تنظیم رودخانه‌های مزبور مورد اشکال است به عرض راپورت ذیل مبادرت می‌نماید.

۱- عواید متوسط رودخانه‌های مزبور که در هر سال به موجب قبوض رسمی مالیه وصول و به جمع عواید خالصه منظور می‌شود به شرح ذیل است.

الف- رودخانه تجن از قرار هر سنگی ۶۴ ریال تخمینا ۱۲۰ سنگ ۷۶۸۰ ریال

ب- رودخانه نکا از قرار هر سنگی ۸۰ ریال تخمینا ۵۱ سنگ ۴۰۸۰ ریال

ج- رودخانه کاری از قرار جریبانه که در هر سال زرع شلتوک می‌شود جریبی ۲.۵ ریال ۵۰۰۰ جریب ۱۲۵۰۰ ریال

د- رودخانه هراز از قرار جریبانه که در هر سال زرع شلتوک می‌شود جریبی ۲.۵ ریال ۴۰۰۰ جریب ۱۰۰۰۰ ریال

۲-اعتبار مخارج رودخانه‌های فوق‌الذکر در بودجه‌های ۳۰۸، ۳۰۹، ۳۱۰ سالی ۵۵۰۰ ریال منظور شده که از اعتبار مذکور شرح ذیل مخارج شده و بقیه اعتبار صرفه‌جویی بوده است:

۱۳۰۸- ۲۹۸۷ ریال

۱۳۰۹- ۵۰۱۵ ریال

۱۳۱۰- ۲۳۶۰ ریال

۳- با آن که قبل از ممیزی و اجرای قانون مالیات اربابی اداره مالیه عوارض میرابی رودخانه‌های مذکور را به ماخذ فوق‌الذکر اخذ می‌نمود فقط مخارج و حقوق کل میراب و فوق العاده مامورین مالیه را در مدت تقسیم آب آن هم در موقع قلت و احتیاج پرداخت و بقیه مخارج تنظیم رودخانه‌ها را کمیسیون های محلی که برای تقسیم آب از طرف مالکین انتخاب می‌شدند از شاربین و خورده مالکین وصول می‌نمایند با شرح مذکور مالکین معترضند به مراسلات شماره ۱۷۲۴۲ به تاریخ ۱۳۱۱/۵/۱۰ و شماره ۱۲۶۰۳ به تاریخ ۱۳۱۱/۴/۲۳ و شماره ۱۱۷۸۷ به تاریخ ۱۳۱۱/۵/۱۰ به آن اداره محترمه مراجعه فرمایند که طبق ماده ۱۴ قانون به طور کلی عوارض میرابی ملغی و مالیه موظف است به مخارج خود و بدون اخذ میرابی در تنظیم رودخانه‌ها و تقسیم آب اقدام نماید و منتظرند مرکز تصمیمی بر اثر شکایات آن‌ها اتخاذ خواهند نمود.

لذا با کسب اطلاع از امنای مالیه و مطالبه در اطراف مخارج مذکور اینک صورت مخارج تنظیم رودخانه‌های مازنداران را لفا تنظیم و اشعار می‌دارد. طبق متحدالمال شماره ۱۹۸۲۵ به تاریخ ۱۳۰۹/۵/۱۲ منضم لایحه پیشنهادی مجلس شورای ملی اجازه فرمایید از اول ۱۳۱۱ عوارض میرابی بر طبق لایحه مذکور وصول و مخارج مربوطه به همان طریق معمول و اجرا شود و مازاد آن به طور ودیعه در صندوق بماند و اگر میرابی و بقایا طبق معمول سنواتی باشد تحمیل مخارج تنظیم رودخانه‌ها و میرابی هر دو بر مالکین [است] و حکم شماره ۱۵۰۲۰ به تاریخ ۱۳۱۰/۵/۱۲ قطعی است».

andishkadeaab

در قزوین نیز قانون ممیزی رویه‌های مالیات حقابه را تغییر داد. پیش از تصویب قانون ممیزی تنها دو رودخانه در قزوین مالیات حقابه می‌دادند که نیز پس از تصویب این قانون متوقف می‌شود. رئیس اداره مالیه قزوین پس از ذکر رودهای مختلف جاری در این منطقه می‌نویسد: «دو رودخانه ارنزک و الونک از دامنه کوه‌های شمالی قزوین جاری و قراء مجاور رودخانه و باغات شهر قزوین از آن دارای حقابه مخصوص هستند که روی قاعده در موقع مشروب می‌شود و از فاضل‌آب بهار رودخانه‌های مزبور بعضی قراء بلوک اقبال بشاریات و شالی استفاده می‌کنند که از این دو رودخانه سابقا مالیاتی به عنوان پول آب از باغات قزوین دریافت می‌شده است که پس از ممیزی قانونی متروک گردیده»

وی درباره اخذ مالیات حقابه نیز معتقد است «البته در صورتی که رودخانه‌های مزبور تحت نظر دولت قرار گیرد علاوه بر این که عواید قابل توجهی از مشروبین به دست خواهد آمد تقسیمات آن‌ها روی قواعد منظمی قرار گرفته از تفریط آب در قراء بالادست [ناخوانا] نسبت به قراء پایین‌دست رودخانه تعدی می‌کنند جلوگیری و موجب آبادی قراء پایین‌دست هم خواهد شد. البته در صورتی که چنین نظری در پیش باشد باید مامورین مخصوص به قراء حقابه‌بر عزیمت نموده تحقیقات کافی نسبت به مقدار حقابه و فصولی که مشروب می‌شوند به عمل آورند».

رئیس مالیه همدان از دو رودخانه در این ولایت نام می‌برد که هر یک در دوره‌هایی زیر نظر مالیه اداره شده اند. «یکی در عباس‌آباد و یکی در دره مرادبیک که اداره مالیه دخالتی در عمل تقسیم آب رودخانه‌های مزبور نداشته است و خود مالکین به قدر سهم بین خودشان تقسیم می‌کرده‌اند. در چند سال قبل نظر به این که بعضی از مالکین متنفذ [در رودخانه عباس‌آباد] نسبت به بعضی‌ها تعدی در تقسیم آب می‌نموده‌اند بر حسب تقاضای خودشان و امر وزارت جلیله مالیه اداره مالیه میرابی معین و آب را بین مالکین تقسیم می‌نموده. در هذه‌السنه مالکین آب عباس‌آباد بین خودشان میرابی معین کرده و مداخله اداره مالیه نداشته ولی مالکین آب دره مرادبیگ از اداره مالیه تقاضا کرده که به طور سابق میراب برای تقسیم آب تعیین نمایند. پس از اجازه از مرکز میرابی معین شده و به قدر سهم به هر یک از مالکین حقابه را که داشته اند داده شده و مخارج میرابی را هم در قسمت سهم و دنگ آب که مختص مخارج میراب و عملجات است پرداخته می‌شود. در این صورت اگر رودخانه‌های مزبورشامل متحدالمال فوق است دستور دهند که در همان قرار رفتار شود».

اطلاعات ارائه شده از سوی رئوسای مالیه ایالات شرقی و غربی آذربایجان نیز همراه با اطلاعات بسیار ارزشمند از وضعیت میرابی در رودخانه‌های آن منطقه است. رئیس مالیه ایالت غربی آذربایجان، پاسخ به متحدالمال را به تفکیک رودخانه‌های این ولایت بیان می‌کند و وضعیت میرابی و دریافت مالیات حقابه را بدین نحو می‌نویسد:

۱- ساوجبلاغ [مهاباد امروزی]- در آن حوزه حقابه رودخانه‌ها معمول نبوده و تقسیمات آب تاکنون به وسیله مالیه به عمل نیامده است.

۲- رضائیه- حوزه رضاییه دارای پنج رشته رودخانه است که به اسامی ذیل نامیده می‌شوند.

شهرچای، نازلوچای، روضه‌چای، باراندوزچای، گدارچای در سلدوز نیز رودخانه‌های شهرچای، نازلوچای و روضه‌چای فقط سه ماه اوایل سال در جریان و بعدا خشک می‌شوند و رودخانه‌های باراندوزچای و گدارچای تمام مدت سال جاری و زاینده‌رود هستند؛ و در این رودخانه‌ها حقابه معمول نبوده و خود مالکین ایجاد انهار نموده و مابین املاک خودشان تقسیمات دارند.

ولی در دفتر جزو جمع قدیمی مبلغ ۱۸۰۰ ریال نسبت به نازلوچای و مبلغ ۲۵۰۰ ریال نسبت به روضه‌چای میرابانه نشان می‌دهد و چون دفاتر جزءوجمع مزبور خیلی کهنه و قدیمی است غیر از ارقام فوق‌الذکر دیگر آثار و علایمی نسبت به جمع‌آوری دخل و خرج آن دیده نمی‌شود. و از قرار تحقیق در سنوات مزبوره مالکین از اداره کردن دو رودخانه مزبوره عاجر مانده و به مالیه متوسل گردیده اند. بنابراین از طرف مالیه میراب معین و مبلغ فوق‌الذکر هم به نام میرابانه از مردم جمع‌آوری می‌شده و این ترتیب بعد از اجرای قانون ممیزی به هم خورده و مالیه دیگر مداخله در عمل آبیاری و حقابه نکرده است.

۳- خوی- فقط دو رودخانه دارد. یک رودخانه مهم که از قطور جاری و رود اطراف رودخانه ۲۸ قریه و یک قصبه مشروب می‌شوند و یک نفر میراب دارد که در ظرف سال هجده خروار گندم به عنوان حق میرابی از قراء جمع‌آوری می‌کنند و در سنوات سابق میراب سالی چهارصد ریال از محل حقوق خود به عنوان حقوق یا (مالیات میرابی) به اداره مالیه می پرداخت ولی دو سال است نظر به ماده ۱۴ قانون ممیزی اخذ نشده است. و یکی رودخانه قره‌سو است که دارای مالکین معین است و میراب هم ندارد.

۴-ماکو- حوزه ماکو دارای سه رودخانه کوچکی است به قرار ذیل میزان آب‌های آن‌ها تخمین شده است.

رودخانه	تخمین آب		
	در تابستان	در بهار	در پاییز
زنگبار	۱۵-۲۰ سنگ	۶۰ سنگ	۲۵-۳۰
آق‌چای	۲۰-۲۴ سنگ	۸۰ سنگ	۳۰-۴۰
قره سو	۲۰- ۳۰ سنگ	۳۰- ۴۰	۳۰-۴۰

هیچ یک از رودخانه‌های مزبوره در تحت نظر مالیه نبوده و اهالی مطابق معمول به املاک خودشان انهار باز کرده و استفاده می‌نمایند.
۵-شاهپور [سلماس فعلی]: دو رودخانه دارد یکی رودخانه زولا که از سمت غربی شاهپور دامنه کوه‌های سرحدی ایران و ترکیه جاری و تقریبا در حدود چهل و پنج سنگ دیوانی آب دارد.
یکی رودخانه کوچکی است که در حدود پنج سنگ آب دارد و در زراعت قراء مصرف و مستهلک می‌شود و نسبت به این رودخانه‌ها مالیه داخالتی نداشته و هم حقابه هم ندارند.»

از میان رودخانه‌های متعدد ایالت شرقی آذربایجان، سه رودخانه صوفی‌چای، قلعه‌چای و درق‌آباد توسط مالیه اداره شده است. در نامه رئیس مالیه این ایالت نوشته شده است:
«در آذربایجان شرقی چندین رودخانه عمده و بسیاری رودخانه های کوچک فرعی است. رودخانه‌های عمده این ایالت به قرار ذیل می‌باشد.
بالقلو چای، قراسو، جغاتو، ساروق، آجی‌چای، اوجان‌چای، نهند، قزل اوزن، درق‌آباد، اسکوچای، تاغ‌لاغان، به‌چکی، اهر چای، ده رود، میانج‌چای، کرم‌چای، قرانقو، ایدوغمش، صوفی‌چای، قلعه چای و مروق. به استثنای رودخانه‌های صوفی چای، قلعه چای، درق آباد که عایداتی به دولت می‌رسد از رودخانه‌های دیگر وجهی گرفته نمی‌شود؛

andishkadeaab

طرز وصل عواید صوفی‌چای، قلعه‌چای به طریق مزایده است که همه ساله منافع رودخانه‌های مزبور به مزایده به اجاره واگذار می‌شود. و آخرین ماخذ آن ها که در هذه‌السنه به اجاره واگذار شده صوفی‌چای ۲۵۵۰۰ قلعه‌چای ۱۳۰۰۰ ریال دایر [بوده است]. عایدات درق‌آباد تا سال ۱۳۰۷ رودخانه مزبور مثل رودخانه‌های صوفی‌چای و قلعه‌چای به اجاره واگذار می‌شده و عایداتی سالیانه تا ۱۳۰۰۰ ریال می رسیده. از سال ۱۳۰۷ طبق حکم وزارتی اجاره‌بندی نسبت به رودخانه مزبور موقوف گردیده و مقرر فرموده‌اند که همه ساله جزوجمعی که معادل ۴۱۵۰ ریال است از آب‌بران دریافت گردد و در سنوات ۱۳۰۷، ۱۳۰۸ و ۱۳۰۹ به قرار دستور فوق عمل شده».

پیشکار مالیه ایالت شرقی آذربایجان نسبت به لایحه تنظیم شده و مداخله دولت در رودهایی که پیشتر از آن‌ها مالیات گرفته شده موافقت دارد ولی معتقد است «در موضوع مداخله دولت به سایر رودخانه‌ها که متضمن اتخاذ ترتیب جدید در تقسیم آب و تحمیل مخارج اداری به عهده آب‌برها می‌باشد قطعا باب شکایاتی تولید خواهد شد». به گفته رئوسای مالیه ایالات و ولایات گرگان، خوزستان، سیستان، ثلاث ملایر (ملایر، نهاوند و تویسرکان)، اراک، کرمانشاه، کردستان و گروس (بیجار)، کرمان، شاهرود، بنادر جنوب، قم و محلات، عراق، فارس، یزد و کاشان یا رودخانه‌ای وجود نداشته یا دولت هیچ گونه دخالتی در امور میرابی نداشته است. رئیس اداره مالیه گلپایگان توضیحات مربوط به نحوه اداره و میرابی محلی رودخانه اناربار (سرچشمه قمرود) را بدین نحو توصیف کرده است:

«اراضی و املاک گلپایگان به وسیله سد موقتی که همه ساله در یک فرسخی گلپایگان تاسیس می‌شود و مازاد آن برای قم می‌رود از این آب مالکین املاک حوالی رودخانه از گلپایگان تا قم نیز استفاده می‌برند.

در سال‌هایی که بارندگی نشود رودخانه مزبور دارای آب نیست و محصول گلپایگان دچار خشکسالی می‌شود.

رودخانه مذکور دارای صاحبان معین نیست. فقط مالکین اراضی گلپایگان و رباطات نسبت به جریبانه املاک متصرفی خود حق شرب محصول خود را دارند.

دریافت حقابه از رودخانه فوق معمول نبوده و برای تقسیمات و حق شرب سهام مالکین هر چند نهر یک نفر به نام میرابی انتخاب می‌نمایند که اراضی تحت زرع را مشروب و در مقابل از روی جریبانه حق‌الزحمه دریافت می‌دارد.

چنان چه مقصود حقابه همان حق‌الزحمه‌ای است که متصدیان تقسیم آب دریافت می‌دارند سالیانه تقریبا نسبت به دوازده هزار جریب املاک گلپایگان که تحت زرع شتوی است در حدود پنجاه خروار گندم می‌شود و هر گاه مقصود حقابه‌ایست که دولت استفاده می‌نماید تاکنون معمول نبوده است».

استان گلستان فعلی شامل دو محدوده زیر نظر ادارات مالیه به نام های اداره مالیه گرگان و اداره مالیه دشت گرگان (محدوده ترکمن صحرا) بوده است. اداره مالیه دشت گرگان در زمان ارسال متحدالمال به تازگی تاسیس شده و پاسخی نیز به آن نداده است. محدود زیر نظر اداره مالیه گرگان مناطق حاشیه کوه و جنگل است که عموما اراضی آن از چشمه‌ها و رودهای متعدد ولی کم‌آب مشروب می‌شوند. پاسخ و پیشنهادی که رئیس این اداره مالیه می دهد نیز متناسب با چنین بستری است. در پاسخ ارائه شده، وی دو دسته رودخانه را از هم تفکیک می‌کند. دسته اول رودهایی هستند که اختصاصی در اختیار یک مالک هستند که این مالک می‌تواند دولت یا مالک شخصی باشد.

البته چون قراء موجود اراضی و استعداد لازمه برای ازدیاد زراعت دارد هر سال که آب زیادتر باشد زراعت بیشتر و هر سال که آب نقصان داشته باشد کمتر عمل می‌کند و این قبیل رودخانه‌ها مانند سفیدرود گیلان و جاجرود و کن و غیره مخارج سدبندی زیادی نداشته و همه ساله به کمک زارعین محلی سد گرفته می‌شود و فقط در پاره‌ای قراء مخارج نهار و چای رعایا در موقع ایلجار [اجتماع رعایا برای انجام کاری] از طرف مالک پرداخت می‌شود».
رئیس مالیه گرگان درباره رودهای بزرگتری که میان چند روستا مشترک هستند پیشنهاد خود را در قالب متن اولیه حقوقی و قانونی برای امور میرابی بدین نحو بیان می‌کند: «در رودخانه‌های مشترک بین چند مالک و یا بین دولت و مالکین به عقیده این جانب برای آن که از حیث سدبندی و تنقیه انهار و تقسیم آب بین صاحب سهام به ترتیب معین و مرتبی جریان داشته و هر یک از مالکین بتوانند در موقع زراعت سهم خود را به قراء خود برده زراعت نموده و از هر گونه اختلاف نظر و مشاجره جلوگیری شود در هر ایالت یا ولایت یک شعبه در اداره مالیه به نام میاه تشکیل و وظایف شعبه مزبور به ترتیب ذیل تعیین گردد:

الف- صاحبان حقابه مخارج تعمیر و تنقیه و سدبندی رودخانه مربوطه خود را مطابق معمول سنواتی و بازدیدی که از طرف کمیسیون میاه آتی‌الذکر به عمل خواهد آمد به اندازه سهم خود تحویل شعبه مزبوره نموده رسید رسمی ولایت خواهند داشت

ب- شعبه مزبور متکلف است با اطلاع مالکین هر یک از رودخانه‌ها سد لازمه را به وسیله متخصصین بصیر در نهایت استحکام و صرفه‌جویی بسته هم‌چنین سایر مخارج رودخانه‌ها را با تصویب کمیسیون میاه که همه ساله به نظر حکومت از شش نفر مالک عمده و بصیر و مطلع تشکیل می‌شود پرداخت نمایند

ج- مخارج سالیانه شعبه میاه نیز بر حسب تصویب و تقسیم کمیسیون میاه به نسبت اهمیت کار هر محل به طور تومان شمار به مخارج رودخانه‌ها علاوه شده از مالکین رودخانه ماخوذ و مانند مخارج سدبندی در مقابل قبض رسمی داده خواهد شد.

د- پرداخت مخارج پرسنلی و اداری شعبه میاه طبق مقررات اداری به تصویب کمیسیون میاه و اجازه مشترک حکومت و ریاست مالیه صورت می‌گیرد.

ه- شعبه میاه مکلف است طبق نظام‌نامه مخصوصی که بعدا تهیه می‌شود همیشه مراقب نظم و ترتیب رودخانه بوده و به موقع معین سدبندی و کارهای لازمه را شروع و خاتمه دهد که در موقع زراعت باعث معطلی و خسارت صاحبان سهام نشود.

و شعبه میاه مکلف است در اول اسفند هر سال راپرت مفصل و مشروحی از وضعیات کلیه رودخانه‌های حوزه ماموریت خود با تعیین صورت مخارج لازمه سال آتی اعم از اداری و پرسنلی و مخارج انهار به اداره مالیه در دو نسخه تقدیم دارد که یکی برای حکومت محلی فرستاده شده در کمیسیون تصویب نمایند.

ز- شعبه میاه مکلف است راپرت عملیات یک ساله خاتمه شده هر سال را در آخر اسفند ماه همان سال با صورت جامعی از محاسبه جمع و خرج سالیانه و وضعیت صندوق میاه تهیه نموده تسلیم نماید تا رسیدگی و یک نسخه به وزارتخانه تقدیم شود.

ح- خلاصه آن که امور مالی و اداری شعبه میاه با دوایر مالیه و امور فنی آن با نظر حکومت محلی و کمیسیون میاه صورتی خواهد گرفت. به این ترتیب امور میاه به بهترین وجهی جریان خواهد داشت.»

سیستان و خوزستان دو منطقه با ظرفیت‌های گسترده کشاورزی بودند که از گذشته اراضی آن‌ها خالصه بوده ولی در دوره قاجاریه دولت مرکزی کنترل زیادی بر آن‌ها نداشته و جمعیت آن‌ها نیز کم و کشاورزی کم رونق بوده است. از آغاز پهلوی تمهیدات و تلاش‌هایی برای رونق کشاورزی در آن‌ها صورت گرفته بود و برنامه‌هایی برای واگذاری خالصجات انجام شد. تا سال ۱۳۱۱ خالصجات سیستان به سرداران و افراد سرشناس محل اجاره داده می‌شد، اما از این سال تصمیم به تقسیم‌بندی زمین و اجاره آن به زارعین گرفته شد (لمبتون،). اجاره‌داران متنفذ قبلی علاوه بر ظلم بر زارعان، تلاشی برای حاصلخیز کردن زمین‌ها نداشتند و از پرداخت مال‌الاجاره به دولت نیز عموما امتناع می‌کردند (همان). نهایتا در سال ۱۳۱۶ تصمیم گرفته شد که مالکیت زمین‌ها نیز به زارعان منتقل شود و به آن‌ها فروخته شود.

andishkadeaab

در خوزستان با وسعت زمین‌های قابل کشت گسترده و جمعیت ساکن محدود، علاوه بر واگذاری خرد اراضی به زارعان محلی، تمایل به جذب سرمایه گذاری فردی یا شرکت‌ها برای توسعه کشاورزی به ویژه با تلمبه وجود داشت (همان). این موضوع بر اداره رودخانه و دریافت مالیات حقابه این دو منطقه نیز سایه انداخته است. رئیس مالیه سیستان در پاسخ به متحدالمال می‌نویسد:

«چنان چه منظور از دریافت حقابه تعیین مقدار آبی است که هر یک از قراء از رودخانه می‌گیرند توضیحا معروض می‌دارد که املاک و دهات سیستان قنات ندارد و تمام قراء بودن استثنا از رودخانه هیرمند آب می‌گیرند و هر یک از دهات نسبت به احتیاج و عده زارع خود نهر مخصوص حفر و مقدار آب مصرفی خود را از رودخانه دریافت می‌دارد و تاکنون مقدار آب دهات و قراء تحت تخمین در نیامده.

www.iwpri.ir

ولی چون حالیه اراضی به زارعین واگذار شده و روز به روز عهده زارعین اضافه می‌شود و اراضی بایره تحت کشت و زرع در می‌آید چنان چه به ترتیب فعلی پیش برود در آتیه نزدیکی احتیاج پیدا خواهد شد که هر یک از دهات و قراء دارای حقابه و میزان آب معین بشوند و حتی از آب‌های اضافی که فعلا به دریاچه سیستان می رود برای زراعت بهاره استفاده خواهد شد.

اگر منظور از دریافت حقابه میزان مالیات با مبغلی است که در مقابل قیمت آب رودخانه در بعضی از ایالات دریافت می‌گردد در سیستان چون تمام املاک بدون استثنا خالصه است و امور رودخانه تحت نظر دولت اداره می‌شود عایدات وصولی از قراء همان مالیات یا منالی است که سالیانه مطابق مقررات فعلی در مقابل محصول دریافت می‌شود و برای آب دریافتی زارعین از رودخانه حقابه مخصوصی معمول نبوده و نمی‌پردازند».

به گفته رئیس مالیه ایالتی خوزستان نیز «رودهایی که در خوزستان املاک اربابی از آن‌ها مشروب می‌شود عبارت از دز، رامهرمز و زیدون هستند. در مورد این رودها دولت هیچ گونه دخالت و نظارتی و خرجی در امر توزیع آب نداشته و حقابه نیز هیچ‌گاه وجود خارجی نداشته است. تمام مخارج احداث و تنقیه انهار اصلی و فرعی منشعب از این رودها بر عهده مالکین املاک بوده است». همچنین درباره پیشنهاد مربوط به لایحه تنظیم شده، رئیس مالیه خوزستان می‌گوید «نظر به این که املاک اربابی خوزستان ممیزی شده و مالیات فعلی آن‌ها به ماخذ کلیه عمل شتوی و صیفی تعیین و وصول می‌شود لهذا تصور نمی‌رود موضوع حقابه دیگر مورد داشته باشد. از لحاظ ترغیب و تشویق مالکین و زارعین در عمران و آبادی املاک و توسعه فلاحت و نیز با در نظر گرفتن این نکته که موضوع حقابه در خوزستان سابقه نداشته است عقیده دارم که در آتیه هم حسب‌المعمول سابق رفتار و هیچ گونه حقابه برای املاک اربابی این حوزه قائل نشوند».

خلاصه وضعیت اداره رودخانه‌ها در ادارات مالیه که در مکاتبات قبلی ذکر شده بود، در جدول زیر خلاصه شده است.

صورت مستوفی جات تجواهای وصله از ادارات مالیه بالات و ولایات بابت مجموع مال

نمره	اسامی ولایات	شرح	ملاحظه
۱	مازندران	[illegible]
۲	گرگان	[illegible]
۳	دشت گرگان	[illegible]
۴	شاهرود	[illegible]
۵	سمنان و دامغان	[illegible]
۶	آذربایجان شرقی	[illegible]
۷	آذربایجان غربی	[illegible]
۸	زنجان	[illegible]
۹	شیراز	[illegible]
۱۰	اصفهان	[illegible]
۱۱	خوزستان	[illegible]
۱۲	بنادر جنوب	[illegible]
۱۳	گیلان	[illegible]
۱۴	قزوین	[illegible]
۱۵	قم	[illegible]
۱۶	کاشان	[illegible]
۱۷	عراق	[illegible]
۱۸	ملایر	[illegible]
۱۹	لرستان و بروجرد	[illegible]
۲۰	همدان	[illegible]
۲۱	کردستان	[illegible]
۲۲	کرمانشاهان	[illegible]
۲۳	خراسان	[illegible]
۲۴	سیستان	[illegible]
۲۵	بلوچستان	[illegible]
۲۶	کرمان	[illegible]
۲۷	کاشان	[illegible]
۲۸	یزد	[illegible]
۲۹	مالیه طهران	[illegible]

در گزارش تاریخچه‌ای که بنگاه مستقل آبیاری در سال ۱۳۲۷ از شکل‌گیری ادارات مربوط به توسعه زیرساخت‌های آبی نوشته می خوانیم:

دهه ۱۳۱۰ آغاز دوره‌ای است که آب جنبه‌ای فنی (به معنای جدید کلمه) پیدا کرد و دو اداره جدید، هماهنگ با دانش و حکومت‌مندی جدید در امور آب تشکیل شد. در اداره کل فلاحت که ذیل وزارت اقتصاد ملی از سال ۱۳۱۰ فعالیت می‌کرد، «اداره آبیاری [و سدسازی]» در سال ۱۳۱۵ تاسیس شد. این اداره قرار بود برای تعیین مناسب‌ترین پروژه‌هایی که می‌توانست به توسعه اراضی آبی بیانجامد به کمک مهندسین خارجی طرح فنی و مالی بدهد. از آنجا که به این اداره اعتبار و اختیار کافی داده نشده بود، فعالیتش گستره زیادی نداشت و محدود به ارائه چندین طرح سدسازی و آبیاری و اجرای یک سد کوچک بر روی رودخانه شاوور در خوزستان بود.

اگر چه این اداره اسما وجود داشت ولی به دلیل این محدودیت‌ها در عمل بدون فعالیت بود. از سال ۱۳۱۸ دستگاه دیگری نیز در بانک کشاورزی و پیشه و هنر ایران به نام اداره فنی مشغول فعالیت شد و به انجام عملیات مشابه در زمینه کارهای فنی و سازه ای آبیاری پرداخت و ساختمان‌هایی از قبیل سد شبانکاره، سد روانسر و حفر تونل بهبهان را شروع کرد و تا حدودی پیش برد.

به منظور گسترش و سازماندهی به امور فنی آب، در سال ۱۳۲۰ موسسه‌ای به نام «بنگاه کل آبیاری» در وزارت مالیه (دارایی) تاسیس شد (از سال ۱۳۱۷ وزارت مالیه در زمینه توسعه زیرساخت‌های آبی شروع به فعالیت کرده بود و پیش از آن نیز امور میرابی و سدبندی رودهایی همچون کرج و جاجرود و ... در بنگاه خالصجات انجام می‌شد) تا این فعالیت‌ها به بنگاه جدید منتقل شود.

بنگاه کل آبیاری اعتبار و اختیار بیشتری داشت و توانست بعضی از پروژه‌های طراحی شده از قبیل آبیاری بهبهان، آوردن آب روانسر به طرف کرمانشاه و آبیاری شبانکاره را تا مرحله تکمیل پیش ببرد. این بنگاه نیز فعالیتی در ارتباط با بهره‌برداری از منابع آب در میان وظایفش نبود و هدفش توسعه آبیاری از طریق سازه‌های جدید بود.

بنگاه دو سازمان اداره مرکزی و سازمان کارگاه ها داشت. در سازمان اداره مرکزی ادارات فنی، بازرسی، حسابداری و کارپردازی و انبار و بخش دفتر و کارگزینی فعالیت می‌کردند. در سازمان کارگاه‌ها نیز دو دسته کارگاه وجود داشت. کارگاه شبانکاره تحت نظر مستقیم بنگاه اداره می‌شد و برای کارگاه‌های بهبهان، کرمانشاه و خراسان شرکت‌هایی محلی تاسیس شده بود. مطالعات، بررسی‌ها و طراحی‌هایی که توسط اداره آبیاری و بنگاه کل آبیاری طی دهه ۱۳۱۰ انجام گرفت با هدف آبیاری ۴۴۰ هکتار اراضی جدید بود و شامل ساختمان سد و مخزن تنگ گزی، حفر تونل و اتصال آب کوهرنگ به زاینده‌رود، ساختمان سد بر روی رود سیستان از شعبات هیرمند و استفاده از دریاچه چاه نیمه، ساختمان سد و مخزن رود گرگان، آبیاري دشت مغان، ساختمان سد کرخه، آبیاري هندیجان، تعمیر و تکمیل سد ساوه، آبیاري تهران و ورامین به وسیله احداث مخزن در رودخانه جاجرود و کن و کارهایي کوچك‌تر با نتایج فوري از قبیل آبیاري جلگه شاه‌آباد غرب براي تهیه چغندرقند، آبیاري میان‌آب شوشتر به وسیله نصب تلمبه در دهنه نهر داریان، تعمیر و دایر کردن نهر قدیم جوي بند از کارون جهت آبیاري اراضي بین شوشتر و دزفول،

آبیاري جلگه مرودشت به وسیله ساختن سد و مخزن همچنین شناسایی کارهایی که می توان توسط خود مالکین انجام داد از قبیل جوی سرخ اصفهان استفاده از آب‌های گاماسیاب یا تامین آب بوشهر و غیره بوده است. همچون سایر توضیحاتی که در ارتباط با فعالیت‌های ذیل وزارت مالیه مطرح شد، در مورد بنگاه کل آبیاری نیز چون این بنگاه تخصصی در امور کشاورزی نداشت فعالیت آن استمراری نداشت و اقداماتی اساسی برای انتقال کامل امور مربوط به آبیاری از وزارت مالیه (دارایی) به اداره کل کشاورزی (وزارت کشاورزی) صورت گرفت.

در جایگاه جدیدی که آب درون دستگاه دولت (به طور عام) قرار می‌گرفت دیگر ضرورتی برای پرداختن به امور مدیریت رودخانه‌ها در ذیل وزارتخانه‌ای که به صورت تخصصی متولی امور مالیه دولتی بود بی اساس شده بود. مخصوصا که این عدم تجانس همراه با چالش‌ها و پیچیدگی‌های روزمره و همیشگی مسائل مربوط به رودخانه ها بود. در چنین شرایطی نیاز به منطق جدیدی برای بهره‌برداری هر چه بیشتر و هر چه بهره‌ورتر از رودخانه‌ها برای ارتقای تولید محصولات کشاورزی به وجود آمد.

این افزایش تولید هم به جهت رفع نیاز غذا و جلوگیری از قحطی و هم به جهت تولید محصولاتی که می‌توانست چرخ صنعت نوپا را به گردش در آورد (با محصولاتی همچون پنبه، چای، چغندرقند و ...) در دوره جدید ضرورت پیدا می‌کرد. این منطق جدید، سازمان جدیدی را نیز مطالبه می‌کرد که به صورت تخصصی به مدیریت آب برای امور کشاورزی بپردازد و وزارت کشاورزی مناسب‌ترین جا برای این هدف بود. نهایتا در سال ۱۳۲۰ بر اساس مذاکراتی که در هیات دولت صورت گرفت، بنگاه کل آبیاری با کلیه سازمان و بودجه و اعتبارات به وزارت کشاورزی واگذار شد. با این حال این انتقال برای وزارت دارایی کاملا خوشایند نبوده و اخلال‌هایی در این فرایند ایجاد می‌کرد و این موضوع نیز خشم وزیر کشاورزی را به همراه دارد: وزیر کشاورزی در کنار ذکر نابسامانی‌های امر آبیاری و ضرورت نگاه تخصصی به آن، می‌گوید چشم دولت نباید چند هزار ریال آب فروشی باشد.

۱۳ / ۱۲ / ۲۵

۳۵۹۷۰

وزارت کشاورزی

اداره.....

جناب آقای وزیر دارائی

درتعقیب مذاکراتیکه درهیئت دولت بعمل آمد متمنی است دستورفرمائید بنگاه کل آبیاری باکلیه سازمان وبودجه واعتبارات مربوطه به آن بوزارت کشاورزی منتقل گردد .

وزیرکشاورزی

سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

۱۳

۱۳۲۱/
۱۵۵۳۰

وزارت کشاورزی

اداره آبیاری وسد سازی

جناب آقای نخست وزیر

بطوریکه خاطرعالی مستحضر است امورمربوط بتقسیم و تنظیم آب رود خانه های کشورتاکنون اصول وترتیب صحیحی نداشته و چون از لحاظ اداری وفنی دریك وزارتخانه مرکزیت پیدا نکرده اغلب باعث خسارت مالکین ورعایا و ازبین رفتن محصول بوده وتولید اختلاف و منازعه شدید بین اهالی نقاط مختلفه کشورنموده است . فعلا تقسیم آب رودخانه های سفید رود کیلان زاینده رود اصفهان ازطرف وزارت کشور ـ کرج ـ جاجرود وحبله رود وآبهای سرحدی خراسان ازطرف وزارت دارائی ـ هیرمند سیستان بوسیلهٔ این وزارتخانه اداره میشود سایر رودخانه هاهم تکلیف معینی ندارند وهر موقع توسط یك وزارتخانه بشکایت مالکین رسیدگی میشود .عدم تمرکزامورمربوطه باین ترتیب موجب شده است که همه ساله درموقع کم آبی شکایات متعدد راجع بطرز تنظیم وتقسیم آب رودخانه ها بمرکزرسیده وبرای حل اختلافات ومناقشات وجلوگیری ازخطرکمی محصول بچندین وزارتخانه متوسل تابالاخره یکی ازآنها بکار رسیدگی نمایند تازه موقعی که این رسیدگی شروع میشود زیان عمده بمحصول وارد آمده است بطوریکه اخیرا درنتیجه بروز اختلاف شدید راجع به تقسیم آب رودخانه قم خود اینجانب ناچار بقم عزیمت نمودم و همینطور راجع بتقسیم آب زاینده رود اصفهان که دریکماه قبل آقای پروفسور وینسور رئیس ومستشار اداره کل آبیاری وسد سازی این وزارتخانه باصفهان اعزام وپس از اقدامات لازم درمحل بوسیلهٔ ساختمان مقسم های مخصوصی برای تقسیم آب زاینده رود شکایات واختلافات مالکین وزارعین آنجامرتفع گردیده ودرنتیجه یك قسمت محصول بخشهای پائین دست رودخانه ازخشکی نجات یافت ولی البته این اقدامات وقتی شروع شده بود که مالکین چندروز بلکه چندین هفته شکایت کرده بودند وکسی بداد آنها نرسیده بود درصورتیکه اگرازابتدا یك وزارتخانه باین مسائل رسیدگی نماید دیگرخسارت بمحصول وارد نمیشود همین طوراست در سفید رود که برای اصلاح وضع تقسیم آب آن باید فکراساسی بشود وهمه ساله مبالغی که ازطرف مالکین پرداخت میشود باید تحت نظر یك وزارتخانه ذی صلاحیت و متخصصین فنی توسط خود مالکین

/ـ

وزارت کشاورزی

اداره .....

بمصارف لازم برسد .

بنابراین برای اینکه کلیه امورتقسیم آب رودخانه هاکه طبعا از وظائف وزارت کشاورزی است تمرکز یابد تصویب نامهٔ در دولت سابق تهیه و تقدیم هیئت وزیران کردید ولی وزارت دارائی بعنوان اینکه درکرج وجاجرود آبفروشی دارد تصویب نامه را بعنوان بررسی خواسته و دیگر استرداد آن با وجود مذاکرات عدیده مقدورنکردید .

بنا برمراتب معروضه نظربا ینکه موسم بذرکاری نزدیك و برای تقسیم آبها مخصوصا در این سال که آب کم است باید ازآب موجوده حداکثر استفاده بعمل آید وبرای اینکه مقرراتی راکه این وزارت از چندی قبل راجع به تنظیم امورآبیاری مشغول تنظیم آنها میباشد بتوان پس از تصویب لوایح مربوط بموقع اجراگذاشت لازم است کلیه امورمربوط بآبیاری مخصوصا تقسیم آب رودخانه ها درکلیه کشور بوزارت کشاورزی واگذار شود تابتواند بانظرمتخصصین آبیاری اقدامات لازم رابعمل آورد . تصورنمیرود کهاگردولت سالیانه چند هزار ریال دربعضی رودخانه ها آبفروشی میکند که آنهم اغلب بضررحق آببرها تمام میشود این موضوع دلیل برعدم اتخاذ یك پایه و اساس صحیح برای امورآبیاری کشورباشد و بدیهی است درمواردی که فروش آب رودخانه امکان پذیراست وزارت کشاورزی پس از رسانیدن حق آب ها مازاد رابمصرف فروش رسانیده ودرآمد رابه وزارت دارائی تسلیم خواهد نمود . وزیرکشاورزی

۱۲۳۴۴
۲۱/۹/۱۶

andishkadeaab

کمی پس از درخواست وزیر کشاورزی، نخست‌وزیر و وزارت دارایی نیز با تمرکز امور آبیاری در وزارت کشاورزی موافقت مي‌کنند و به همراه وزیر دادگستري لایحه‌اي را تقدیم مجلس مي‌کنند. نام این لایحه، «لایحه آبیاري» است و در سال‌هاي بعد هم عموما با نام قانون آبیاري نام برده مي‌شود ولي رسما به اسم قانون اجازه تاسیس بنگاه آبیاري در مجلس تصویب مي‌شود. در متن نامه ارسالي از سوي چهار فرد دولتي مذکور به مجلس شوراي ملي اشاره دقیقي به سه هدف تهیه لایحه شده است. در این نامه گفته شده: «نظر به اینکه موضوع آبیاري در کشور ایران امري حیاتي است و توسعه کشاورزي و ازدیاد سطح مزروعي و ترفیه زندگاني کشاورزان و ازدیاد ثروت ملي و محصولات کشاورزي و صادرات کشور با تهیه آب کافي میسر مي‌گردد لذا وزارت کشاورزي قانوني مشتمل بر ۱۷ ماده براي تامین سه منظور زیر تهیه نموده:

www.iwpri.ir

۱- ازدیاد آب به وسیله ایجاد سدها و مخازن آب و به سطح آوردن آب‌هاي تحت‌الارضي
۲-تنظیم و تنسیق آب‌هاي موجوده تحت مقررات و نظامات اساسي و ثابت
۳- جلوگیري از قصور و تسامح مالکین و حق‌آبه‌برها در نگاهداري وضعیت معمور و سالم سدها و قنوات و انهار و زه‌کشي‌ها و اقدام در تعمیر و اصلاحات ضروري آنها».

قانون اجازه تاسیس بنگاه مستقل آبیاری در ۲۹ اردیبهشت ۱۳۲۲ در مجلس تصویب و گام تکمیلی در استقرار بوروکراسی برای اداره امور آب در سرتاسر کشور در ذیل یک سازمان دولتی واحد برداشته شد. بر خلاف وزارت مالیه که همواره مساله درآمدزایی از اداره رودخانه‌ها جزء دغدغه‌هایش بود، سازماندهی جدید با هدف تولی‌گری منفعت ملی و کشور تنظیم شد.

موضوع ثبت حقابه‌ها

یکی از اموری که دولت طی این سال‌های مورد بررسی ما، برای نظم‌بخشی به امور حقابه و اداره رودخانه‌ها پیش گرفت، ثبت حقابه‌ها در دفاتر ثبت اسناد بود.
اولین قانونی که ثبت املاک را الزام‌آور می‌کرد قانون ثبت عمومی املاک و مرور زمان مصوب ۲۱ بهمن ماه ۱۳۰۶ است. در ماده اول این قانون گفته شده کلیه اموال غیرمنقول اعم از املاک مزروعی و مستغلات و غیره باید در دفاتر ثبت املاک ثبت شود.
قانون جامع راجع به ثبت در سال‌های بعد چندین بار تغییر کرد.
قانون ثبت اسناد و املاک (مصوب ۱۱ مهر ۱۳۰۸) ثبت اموال غیر منقول را به مدت دوسال از تاریخ افتتاح اداره ثبت املاک در هر ناحیه اجباری کرده و مقرر کرده است اگر در این مدت کسی ملک خود را به ثبت نرساند، دولت اختیار خواهد داشت که ملک را به اسم متصرف ثبت کند و در این صورت مالک حق ندارد نسبت به تحدید حدود آن اعتراض کند.

به موجب بخشنامه شماره ۱۴۳ که در تاریخ ۱۰ فروردین ۱۳۰۹ از طرف مدیر کل ثبت اسناد و املاک مملکتی صادر شده است تقاضای ثبت آب از چهار صورت خارج نیست: یا تقاضا مربوط است به قنات یا به چشمه‌سار یا به نهرها و یا به رودخانه.

اگر قناتي بيش از يك مالك داشته باشد، سهم متصرفی هر مالکی از روی ساعت و گردش شبانه روز آب باید تصریح شود. قنوات و املاك هر يك جداگانه بايد به ثبت رسد و در مورد چشمه‌ها نیز به همین ترتیب باید عمل کرد. اگر سهم صاحبان متعدد آب يك چشمه‌سار را نتوان بدقت معلوم کرد در این صورت باید تقاضای ثبت آب را فقط در ضمن تقاضای ثبت ملك و بعنوان «حقابه» (یعنی حق داشتن سهمی از آب) ثبت کردآب‌های منشعب از چشمه‌سارها تابع همین قاعده است و تقاضای ثبت نهرهای منشعب را باید در ضمن تقاضای ثبت خود ملك قبول کرد و لازم است که صاحب ملک اظهار نظر کند که چه مقدار آب بر حسب زمان و بر طبق معمول محل به او تعلق می‌گیرد و فرمولی که در این

مورد باید قید کرد اینست «یك شبانه‌روز آب از نهر فلان مطابق معمول محل و اگر تقسیم آب بر حسب زمان صورت نگیرد باید قید کرد که مالک دارای حقابه از فلان نهر مطابق معمول محل است. تقاضای ثبت آب رودخانه را فقط بعنوان «حق الشرب» و در ضمن تقاضای ثبت خود ملک باید پذیرفت زیرا برای کیفیت و طرز تقسیم آب رودخانه‌ها هنوز روش و قاعده‌ای تنظیم نشده است. فقط رودخانه‌هایی که آب آنها میان عده معینی مالک تقسیم شده باشد ازین قاعده مستثنی است و این گونه مالکین می‌توانند مقدار سهم‌های متعلق به خود را به ثبت برسانند.

قانون جامع مربوط به ثبت مجددا در سال ۱۳۱۰ تغییر پیدا کرد و قانون ثبت اسناد و املاک در تاریخ ۲۶ بهمن این سال تصویب شد. آئین‌نامه این قانون نیز در ۱۷ آبان ۱۳۱۷ تصویب شد که سه ماده آن به ثبت حقابه‌ها مربوط می‌شود. طبق ماده ۴۱ این آیین‌نامه نسبت به املاکی که مالک خاصی ندارد مانند طرق و شوارع و اراضی و جبال موات و مباحه و جنگل‌های عمومی درخواست ثبت پذیرفته نمی‌شود. اشاره به این ماده از این جهت است که در سال ۱۳۱۷ اشاره‌ای به عدم امکان ثبت آب نشده است.

بر این اساس در سال‌های پس از این آیین نامه برای منابع آبی اسناد ثبت شده است. ولی در اصلاح این ماده در سال ۱۳۸۰، «بستر مسیل‌ها و آب رودخانه‌ها و نهرهای منشعب از آنها و انهار طبیعی و هر مسیر طبیعی دیگر اعم از سطحی و زیرزمینی و چشمه‌سارها» نیز به عنوان مصادیقی که امکان ثبت برای آنها وجود ندارد ذکر شدند. در ماده ۴۲ ذکر شده است که درخواست ثبت آب رودخانه‌ها و نهرهای منشعب از آنها در ضمن درخواست ثبت ملک پذیرفته می‌شود و اگر به سهام معینی تقسیم نشده باشد بطور حقابه و معمول محل در اظهارنامه و آگهی‌ها قید می گردد. در این ماده نیز در سال ۱۳۸۰ اصلاحاتی صورت گرفت و گفته شده است که در موقع صدور سند مالکیت باید «عبارت با حقابه از مقررات قانون توزیع عادلانه آب» قید گردد. ماده ۴۳ این آیین‌نامه نیز مقرراتی برای ثبت چشمه‌ها و تعیین سهم مالکان مختلف از آن مشخص کرده است.

روال کار برای ثبت حقابه بدین نحو بود که مالکان ادعای خود را درباره میزان سهمی که از آب رودخانه داشتند اعلام می‌کردند. سپس مالیه موظف بود که بر مبنای اسناد و مدارک در اختیار، ادعای مالکان را صحت‌سنجی کند و اداره ثبت اسناد را از این موضوع مطلع کند.

وزارت مالیه

کل ایالت طهران

خالصجات

اداره محترمه تشخیص عایدات — خالصجات ممکنی

در جواب وقوعه ۸۱۴۹ / ۸/۳/۱۸ مرضوع ارباب صورت فوق قطعهٔ قمقاء ارباب نرجه بند
ایالت طهران بهمین صورت حقهٔ قمقاء ارباب بی اوراق خانهٔ جوهت نرجه بند
و کرد انکه در نسخه قرار بفرموده اید بسکه صحت تاخیر در ارسال جواب را مرضی خواسته
تصدیق میشود که کلی تهیه چنین صورتی که در واقع مدرک دارائی تکه تقه
در طبق آن بسته در توقیع قسمت قمقاء ارباب بصحت تقاضای حقهٔ باشد
بسته حتی الامکان وقت تقه بهمین واسطه قبلاً صورت سطور از حواله از بدهکار
خواسته شد و بعداً ارقام مندرجه در دفتر فوق جمع و از تطبیق و تکمیل رفع اختلاف
ترضیات مجدد از حواله از بدهکار استعلام و تکمیل گردید —

۹/۴

۹۱۸۹

۹۱۸۹

کار ثبت در مورد بسیاری از روستاها تا مدت‌ها انجام نشد.

در این باره لمبتون در کتاب مالک و زارع می‌گوید «کار ثبت املاک در صورتی که ممیزی املاک به طور کامل صورت نگرفته باشد تا حدی کاریست دشوار و در ایران روش معمول آن است که ملک را بیشتر با شرح حدود آن ثبت می‌کنند نه با تعیین مساحت واقعی آن. شهادت صاحبان املاک مجاور به عنوان دلیل مالکیت مقبول است. اقدامات مقدماتی ثبت معروف است به پلاک کوبی. مالک نسبت به قطعه زمینی که مورد ادعای اوست اظهار نامه‌ای به اداره ثبت محل می‌دهد، سپس اداره ثبت به ادعا و همچنین به اسناد و استشهادنامه او رسیدگی می‌کند و به هر اعتراضی که بشود ترتیب اثر می دهد... با وجود اینکه بیش از ۲۵ سال از تصویب قانون ثبت می‌گذرد عده معتنابهی از اراضی و املاک دهات به ثبت نرسیده است و مرافعان ملکی از مسائل نسبتا عادی به شمار می‌رود».

andishkadeaab

اما ثبت حقابه‌ها گرفتاری‌های مضاعفی هم داشت. مرتضی سرمد در کتاب حقوق آب (۱۳۵۱) درباره مخالفت خودش به عنوان مدیر بنگاه مستقل آبیاری با اصل صدور سند برای آب می‌گوید:

«صاحبان املاک در تقاضاهایی که برای ثبت املاک خود و به دست آوردن اسناد مالکیت به اداره ثبت تسلیم نمودند ضمن تقاضاهای خود راجع به ملک به میزان‌های مختلفی نیز حق استفاده از آب رودخانه را به نام حقابه یا حق‌الشرب به ثبت رسانده و اسناد مالکیت با قید مقداری حقابه یا حق‌الشرب به میل خود به دست آوردند و حتی برای شرب باغات خود نیز با دادن سرباز به تحصیل حقابه دست یافتند. در آن موقع [حدود سال ۱۳۲۵] اینجانب با سمت و عنوان یکی از مدیران بنگاه مستقل آبیاری با هم‌فکری سایر همکاران به این نکته توجه کردیم که برقراری حق استفاده از آب رودخانه به کیفیت مذکور منطبق با مصلحت و

اصول نیست و باید ضابطه‌ای منطقی و صحیح برای این موضوع در نظر گرفته شود.
چه آنکه اصولا آب رودخانه متعلق به عموم است و این حق عمومی باید با وضع مقررات عادلانه‌ای مورد استفاده افراد واقع شود که به حق افراد دیگر تعدی و تجاوزی صورت نگیرد و با مساله انحصار از طرف اشخاص راه بهره‌مندی آینده افراد دیگر مسدود نشود.
به این جهت شرحی به اداره ثبت کل نوشته و تذکر داده شد که از تعیین حقابه در اسناد مالکیت به صرف تقاضا و میل متقاضیان که غالبا موجب تضییع حق دیگران است خودداری نمایند و نظم و ترتیبی را که با واقعیت و عدالت توام باشد در نظر بگیرند و بالجمله در تعیین مقدار حقابه مورد تقاضای افراد شایسته است که نظر مقامات صلاحیت‌داری ملاک عمل قرار گیرد.

متاسفانه به این تذکر در آن موقع توجه شایسته‌ای نشد و فقط مقرر شد که در اسناد مالکیت به جای تعیین حقابه به مقیاس (سنگ و سهم و جام و غیره) به میزان معمول و عرف محل اکتفا کنند و البته این ضابطه علاوه بر آنکه خود موجب اختلاف در تشخیص عرف محل است منظور اصلی را که به آن اشاره شد تامین ننموده است و نتیجه این سبک و روش در بابت میزان حقابه و درج و قید انطباق عرف و معمول محل در اسناد مالکیت از زیاده‌روی اکثر متقاضیان و تجاوز به حقوق افراد جلوگیری ننمود». سرمد در ادامه مثالی از رودخانه کرج می‌آورد که در اواسط دهه ۱۳۴۰ مجموع حقابه‌ها و اسناد مالکیت آب ثبت شده بیشتر از مقدار کل بده آب رودخانه یا مخزن سد بوده است».
بررسی سوابق نشان می‌دهد که حتی در همان سال های اولیه الزام‌آور شدن ثبت املاک، این چالش‌ها به وضوح خود را نشان داد.
مساله ناشی از دعواهای همیشگی میان مالکان و زارعان روستاهای مختلف بر سر میزان سهمشان از آب بود.اسناد موجود در ادارات نیز نمی‌توانستند تعیین تکلیف واحدی بکنند و خود محل چالش و نزاع بودند.

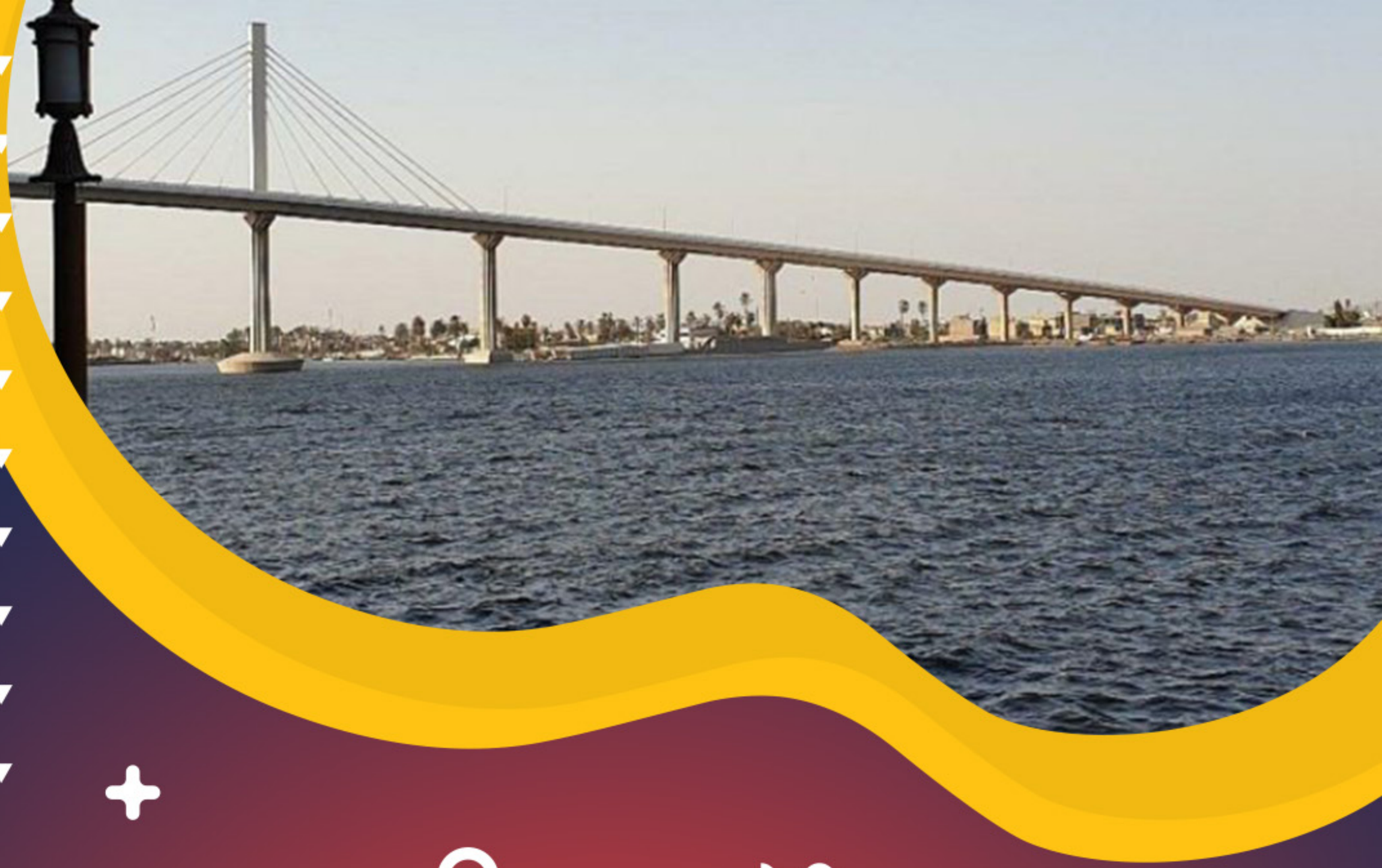

ماجراهای مربوط به ثبت را می‌توان با جزئیات بیشتر درباره رودخانه زاینده‌رود و از زبان دو نماینده دیگر اصفهان، سید حبیب اللّٰه امین (امین التجار) و باقر الفت، در نامه‌ای که به تاریخ بهمن ۱۳۰۷به وزیر مالیه ارسال کرده‌اند مشاهده کرد.

«در این موقع که بر حسب دعوت جمعی از موکلین خود راجع به اختلافات در قرار و سهام رودخانه زاینده‌رود به اصفهان آمده لازم دانستم به طور اختصار نظریاتی که در موضوع فوق اتخاذ گردیده به عرض برسانم.

مقدمه در چهارصد و بیست و چهار سال قبل در عصر شاه طهماسب (که از قرائن و معلومات در آن عصر هم اختلافاتی در قرار و سهام رودخانه موجود بوده) دستوری صادر می‌شود که به اطلاع کدخدایان و ریش سفیدان و مطلعین تقسیماتی در آب زاینده‌رود مقرر گردید و مامورینی گماشته تقسیماتی قائل می‌شوند. چون شرح و بسط آن مفصل است سه فقره سواد متنسب به آن طومار را که در هر کدام اختلافاتی ملاحظه می‌شود (و اصل آن هم موجود نیست) ملصق به این ورقه می‌نماید تا در صورت لزوم ملاحظه و

و مطالعاتی در آن به عمل آید. قسمتی که در هیچ یک از این سوادها مورد اختلاف نیست و تاکنون هم معمول و به مجری بوده است تقسیمات اولیه و ترتیب سی و سه سهم زمانی سوای سهام غیر معین است که مقصود از هر سهمی پنج روز و در نتیجه یکصد و شصت و پنج روز از نیمه جوزا تا اول قوس در موقع کم آبی است. برای هر بلوکی به ترتیب ونش و سرکرده معین داشته‌اند و اگر چه در تصمیمات جزء آن همیشه اختلافاتی فراهم و اجرای آن در کلیه غیر عملی بوده و در طول مدت چهارصد سال البته تغیراتی فراهم گردید قراء و آبادی‌های جدیدالاحداثی پیدا شده که حتی چندین فقره از آن‌ها در همین سوادها ذکر شده و شاید آبادی‌هایی هم از بین رفته ولی به طور کلی شالوده روی سی و سه سهم زمانی بوده است. سوای سهام غیر معین منتها در مواقع وفور آب هیچ سر و صدا و شکایاتی نبوده و در مواقع کم آبی (چنان چه متجاوز از ده سال است اهالی اصفهان مبتلا هستند) اختلافات و سر و صداها توسعه می‌یافته ولی علی ای حال به کدخدامنشی و اهتمام و حسن نیت علاقه‌مندان و سعی مامورین دولتی برگزار شده تا امسال که موضوع ثبت اسناد پیش آمده یک دسته که منافع آن‌ها جزئا و کاملاً

تطبیق با مفاد این اوراق دارد یک جهت طرفدار ثبت سواد طومار و قسمتی که اجرا این طومار مخالف منافع آن‌ها واقع گردد ابراز مخالفت نموده و البته طرفین دلایل بر رد یا قبول آن را در طهران و اصفهان اظهار داشتند و چون در عین حال در قسمت‌های مهم دیگر از نقاط مملکت هم همین مناقشه و اختلافات برای ثبت پیش آمد از طرف دولت حکم عمومی صادر گردید که آبخور رودخانه‌ها فقط به عنوان (حق الشرب از رودخانه‌ها) املاک خود را به ثبت برسانند و فعلا به همین طریق عمل می‌شود ولی بدیهی است تا یک طریق علمی و عملی برای تعیین مقیاس و مقدار آب در موقع زیادی و کمی آب به عمل نیاید و درب انهار ساختمان‌های مخصوص نشود برای تعیین سهام معین اختلافات قطع نخواهد شد. این نکته را هم لزوما به عرض می‌رساند که یکی از علل و جهات نرسیدن آب به زیردست و تولید اختلاف شلتوک‌کاری فوق‌العاده و خارج از تناسبی است که در لنجان علیا و سفلی می شود و صرف نظر از تولید پشه مالاریا و هزاران کثافات و امراض دیگر و ضرر مهمی که به زراعت غله و صیفی عموم می‌زند کشت این زراعت به طور کلی زراعت پنبه را که یکی از صادرات مهم مملکتی است از بین برده و

و در هر حال جلوگیری و یا لااقل محدود کردن آن مصالح مهمی برای حفظ‌الصحه و زراعت عمومی خواهد داشت و رفع قسمت خیلی مهمی از اشکالات و اختلافات رودخانه را می‌نماید. و اگر فرضا از نقطه نظر مصارف برنج اصفهان بخواهیم رعایتی شده باشد بلوک آیدغوش کاملا به اندازه مصارف اصفهان برنج‌کاری نماید ولی مشروط بر اینکه زیادتر از میزان فعلی کشت نکنند. پس از ذکر این مقدمات با مشورت مطلعین و علاقمندان به اصلاح این امر آن چه به نظر این جانبان رسید از قرار زیر است.

andishkadeaab

۱- دو نفر مهندس متخصص از طرف وزارت جلیله مالیه و فوائد عامه امر و مقرر فرمایند به اصفهان اعزام و پس از ورود به عمل و دقت اوضاع رودخانه را مطالعه در اوراق طومار و تقسیماتی که مقرر داشتند و ضمنا تحقیقات محلی آن چه را که امروز بر وفق صلاح و مصالح عمومی است از مقررات طومار یا سابقه عمل یا اگر طریق بهتری به نظرشان برسد تنظیم نموده ضمنا طریقی برای تعیین درب مادی‌ها [نهرها] که از روی موازین علمی باشد بدهند که تعیین سهام هر نهری معین و در آینده مواجه با اختلافات نشوند و مخارجی که برای تعیین درب مادی‌ها می‌شود از روی سهامی و برای هر نهر معین می‌کند از مالکین آن نهر دریافت دارند. [خواننده نامه در کنار این بند نوشته است: "عملی نیست"]

۲-تا امر اولیه انجام یابد تلگرافی به اداره مالیه اصفهان صادر گردد که ۱۴ نفر از اشخاص بصیر و معتمدین که دارای املاک و آبخور رودخانه هستند با موافقت نظر حکومت از هفت بلوک اصفهان از پل کله تا ورزنه به عنوان کمیسیون میاه دعوت نموده و با تصویب آن‌ها میراب و مخارج مقرره برای میرابی را معین و به طوری که تقسیم آب معمول بوده عمل نمایند و جلوگیری از تعدیات اشخاص نسبت به همدیگر بنمایند. [خواننده نامه در کنار این بند نوشته است: "صحیح است"]

۳- امر اکیدی صادر گردد که اداره مالیه شلتوک‌کاری لنجان علیا و سفلا را متروک و موقوف نمایند و اگر فرضا دولت صلاح ندانند که به طور کلی متروک گردد لااقل محدود نمایند و توضیحا به عرض می‌رساند که اگر در این قسمت اقدام جدی به عمل نیاد روز به روز اشکالات کار رودخانه در تزاید خواهد بود. [خواننده نامه در کنار این بند نوشته است: "عملی نیست"]

/andishkadeaab

در خاتمه ناگزیر از عرض این چند کلمه هستم که اگر خشک‌سالی این صفحات به همین طریق ادامه یابد چنان چه در هذه‌السنه هم به واسطه کمی بارندگی آینده را بدتر از هر سال نشان می‌دهد علاج قطعی منحصر به الحاق آب کوه رنگ به این رودخانه است و الا قطعا قسمت مهمی از املاک و زراعت اصفهان به کل از بین خواهد رفت».

تاریخ ورود به دبیرخانه وزارت مالیه
تاریخ ۱۳۰۷/۱۱/۱۱
نمره ۵۱۱۹۲

مقام محترم وزارت جلیله مالیه دامت عظمته

در این موقع در حسب دعوت جمعی از موکلین خود راجع باختلافات در قرار و سهام رودخانه زاینده رود باصفهان، مقدمه لازم دانستم بطور اختصار نظریاتی که در موضوع فوق اتخاذ گردیده بعرض برسانم

مقدمه — در چهارصد و بیست و چهار سال قبل در عهد شاه طهماسب (در ازمنه قرائن و معلومات در آن عصر هم اختلافاتی در قرار و سهام رودخانه موجود بوده) دستوری صادر میشود در باطلاع کدخدایان و ریش سفیدان و مطلعین تقسیماتی در زاینده رود مقرر گردد و مأمورینی گماشته تقسیماتی قائم میشود چون شرح و بسط آن منصل است به قشر سواد منتب بآن طومار را در هر کدام اختلافاتی ملاحظه میشود (و اصل آنهم موجود نیست) منصل بآن ورقه نمایند تا در صورت لزوم ملاحظه و مطالعاتی در آنها بعمل آید — قسمتی در هیچیک از این سواد ها مورد اختلاف نیست و تاکنون هم معمول بر دستور بوده تقسیمات اولیه و ترتیب دسته سهم زمانی نواحی سهام غیر معین است که مقصود از هر سهمی پنج روز و در نتیجه یکصد و شصت و پنج روز از نیمه جوزا تا اخر حوت در موقع کم آبی است برای هر محلی به ترتیب و نوبت و سرگذشته معین در دسته ذیل و لگدچه در تقسیمات جزء همیشه اختلافی فراهم و اجمالاً آن در کلیه غیر مجمع بوده و در طول مدت چهارصد سال اینسه تغییراتی فراهم گردیده قراء و آبادیهای جدید الاحداثی پیدا شده حتی خیلی قرب از آنها در همین سواد ها دگرگشته و شاید آبادیهائی هم از بین رفته ولی بطور کلی شالوده روی تقسیم دسته سهم زمانی بوده است نواحی سهام غیر معین مثلاً در موقع وفور آب صبح تا سر و صدا و گلدانی بوده و در موقع کم آبی (چنانچه تجاوز از ده سال است اهالی متسبه هستند) اختلافات و سر و صداها توسعه یافته ولی با این حال بعد خدا منشی و اهتمام و حسن نیت عمده قدمتان و تعیین مأمورین قدیمی رگذار شده تا امسال در موضع ثبت اسناد پیش آمد یک دسته که منافع آنها جزء کلاً تطبیق با مفاد این اوراق دارد یک جهت طرفدار ثبت سواد طومار و قسمتی که اجمالاً این طومار مخالف منافع آنها واقع گردیده ایجاد مخالفت نموده و اینسه طرفین دعوی بزرگ با قسمتی آن را در طرف اصفهان اظهار داشته — و چون در این حال در قسمت های مهم دیگر از نقاط مملکت هم محل مشابه و اختلافات برای ثبت اسناد پیش آمد از طرف وزارت حکم عمومی صادر گردید که آنجور رودخانه ها فقط بعنوان (قی اثر آب از رودخانه) اعلام کدخدا را به ثبت برسانند و فعلاً بهمین طریق عمل میشود ولی بدیهی است تا یک طریق علمی و جامع برای تعیین مقدار آب در موقع زیادی و کمی آب بعمل نیاید و در آب انهار ساختمانی مخصوصی نشود برای تعیین سهام معین اختلافات قطع نخواهد شد — این نکته را هم لزوماً بعرض میرسانم که یکی از علل و جهات نرسیدن آب بزمین و تولید اختلاف شلوغ کاری فوق العاده

و خارج از تناسبی است که در نهایت بمیل و سفلا میشود و صرف نظر از تولید پشه مالاریا و هزاران کثافات و امراض دیگر
و ضرر مهمی در زراعت نمونه و صیفی عموم نیز دارد کثیف این زراعت بطوریکه زراعت پنبه را صیکی از صادرات مهم مملکت است
از بین برده و در هر سال جلوگیری و بالاتر ممکن جلوگیری آن مصالح مهمی برای حفظ الصحه و زراعت عمومی خواهد داشت و در
قسمت صنایع مهمی از انگلستان و هندوستان رهوخانه را مینماید و اگر فرضاً از نقطه نظر مصارف برنج صنعتی نخواهیم رعایت شود
بلوک آبه فمش کافی اندازه مصارف صنعتی برنج کاری نمیباشد ولی مشروط بر اینکه زیادتر از میزان فعلی کشت نکنند
پس از ذکر این سعادت بشورت مطلعین و علمای ذی صلاح این امر آنچه بنظر این جانب رسید از مقدمه ذیل است
در نفر مهندس متخصص از طرف وزارت جلیله فلاحت و وزارت عامه امروز مقرر فرمایند باصفهان اعزام و پس از ورود بمهندس وزارت فلاحت
و مطالعه در اوراق طرح و تقسیماتی که مقرر داشته و ضمناً تحقیقات جمع آنچه را امروز بروفق صلاح و مصالح عمومی است از مقررات
طرح سابقه بعمل یا اگر طرحی بهتری بنظرشان برسد تنظیم نموده ضمناً طرحی برای تعیین دریاچه که از روی موازین علمی باشد
که تعیین شود از نهر مین و در آینده مورد با حفظ نشود و خارجی برای تعیین دریاچه میشود از روی تهیه علمی در نهر مین
میکند از تعیین آن نهر در نیت دارد

تا اجرا و تهیه انجام یابد گمرانی اداره تهیه اصفهان صادر گردد در (۱۴) نفر از اشخاص بصیر و معتمد در اداره اهدک و تکور رهوخانه
هستند با رعایت نظر حکومت از اهالی بلوک اصفهان از بین کلیه تا ورزنه بعنوان کمیسیون میاده دعوت نموده و با تصرف آنها
میرآب و مخارج مقرره برای میرآب را معین و بطوریکه تقسیم آب معمول بوده عمل نمایند و جلوگیری از تعدیات اشخاص نسبت بهمدیگر نمایند
اگر کسی صادر گردد در اداره تهیه مشترک کاری نمایند و سفلا در مترک و موقوف نمایند و اگر فرضاً در بست صلاح ندانند
در بطور کلی متروک گردد لااقل محدود نمایند و توضیحاً بعرض میرساند اگر در این قسمت اقدام جدی بعمل نیاید روز بروز انگلستان
رهوخانه در تزلزل خواهد بود

در خاتمه ناگزیر از عرض این چند کلمه هستم اگر خدمت بعمل این صنعت بهمین طریق ادامه یابد چنانچه در هر سنه هم لوله کشی
دیده بالاتر از هر سال نشان میدهد علاج قطعی منحصر باحداث آب کوه رنگ برای رهوخانه است و لذا قطعاً قسمت مهمی از اهالی
و زراعت اصفهان بکلی از بین خواهد رفت

۱۲۷

۳۱۹

۱۳/۱۱/۲۸
۳۹۴۹۸

در متحد مالی صادره از اداره کل ثبت اسناد و املاک مملکتی راجع به حقابه املاک مزروعی از رودخانه در شماره ۷۵ مجله رسمی عدلیه مورخ روز پنجشنبه هشتم آذر ماه ۱۳۰۷ برای اطلاع آمده است:

نظر به این که غالب املاک و دهات مزروعی در نقاط مختلف مملکت از آب رودخانه مشروب شده و به بطوری که مشاهده گردیده است صاحبان املاک غالبا بر سر میزان سهمی خود از رودخانه اختلافی دارند و رفع این اختلافات هم میسر نشده، ناچار مدتی وقت لازم خواهد بود. و از طرفی کلیه صاحبان املاک مکلف هستند که در ظرف دو سال بعد از تشکیل ثبت تقاضای ثبت ملک خود را نموده و به این وسیله از تحمل تزئید (زیاد شدن) میزان حق الثبت معاف شوند و نمی توان ثبت املاک را متوقف بر رفع اختلاف راجعه سهم آب نمود لذا به کلیه مدیران دوائر ثبت اسناد و املاک اکیدا خاطرنشان می نماید که تقاضای ثبت املاک آبخور از رودخانه ها را فقط عنوان حقابه پذیرفته و از تصدیق سهام معینی از رودخانه جدا اقرار نکنند و تا وقتی که مطابق مقررات

قانونی و مقتضیات مملکتی ترتیب قاطعی نسبت به آب رودخانه داده شود و در اعلانات و صورت مجلس ها تهدید حدود هم فقط به خود حقابه اکتفا کرده و در اسناد مالکیت هم توضیح نمایند که جمله حقابه در تشخیص سهم آب موثر نیست و نسبت به تقاضا نامه های قبل از این دستور هم بایستی همین نکته را رعایت نمایند و چون مسئله حقابه از رودخانه ها غالبا در قبالجات خرید و فروش املاک ذکر نمی شود و مستدعیان ثبت در این قسمت غالبا مدرکی در دولت ندارند لهذا بایستی مامورین تحدید حدود در موقع عملیات تحدید تصرف مستدعی ثبت اصلا مجری و حقابه از رودخانه نداشته است فورا مسئله حقابه را مسکوت گذارده و بر خلاف واقع و حقیقت حقابه برای مستدعی ثبت تصدیق ننمایند. تخلف از این دستور تولید مسئولیت شدید برای مدیران ثبت و نمایندگان تحدید حدود خواهد نمود. لازم است وصل این متحدالمال را به صورت کتبا اطلاع دهید.

نمره عمومی ۲۵۴۴۴

نمره خصوصی

۴۱

۹۸

وزارت مالیه

اداره کل املاک ایران

دایره تعیین املاک شعبه

نوع مکاتبه

موضوع مسوده

ضمیمه

مسئول پاک نویس ۲۴/۹/۱۲

تاریخ تحریر ۱۰ ماه ۹ ر ۷ تاریخ پاکنویس ۱۱ ماه ۹ تاریخ ثبت ماه تاریخ خروج ماه سال ۱۳

متحد المآل

دایره ... ایران (دعوی دهاتی)

متن متحد المآل صادره از اداره کل ثبت اسناد و املاک مملکتی راجع بحقابه املاک مزروعی از رقوفات

در شماره ۷۵ مجله رسمی عدلیه مورخه پنجشنبه بیستم آذرماه ۱۳۰۷ درج و برای اطلاع آن وارد تعقیب میشود:

«نظر بمنکر غالب املاک و دهات مزروعی در نقاط مختلفه مملکت از آب رقوفات مشروب شده بطوریکه مالکین و صاحبان املاک غالباً در سر میزان سهم خود از رقوفات خانه اختلافات لفظی و رفع آن اختلافات مستلزم بروز مشکلات و مخارج زیاد و وقت تلفی خواهد گشت و از طرفی کلیه صاحبان املاک مکلف بمتابعت از میزان بعد از تسلیم حوزه ثبت تقاضای ثبت املاک خود را نموده و پس از رسیدن آن بمحل مزبور میزان حق ثبت املاک و میزان املاک را موقوف بر رفع اختلاف راجع بسهم آب نموده لذا بعضی میزان حق ثبت اسناد و املاک البته خاطرشان نسبت به تقاضای ثبت املاک آنچه از رقوفات را فقط بعنوان حقابه بدرقه و از تعداد سهام معینی از رقوفات خانه جدا اقرار کنند با وضع مالکین تکلیف مالکیت و مقتضیات مالکی ترتیب قاطعی نیست بتقسیم آب رقوفات خانه‌ها اداره نمود و در اعلانات و جلوگیری محلیها که بعد هم فقط بحقابه اکتفا کرده و در اسناد مالکیت هم درج نمایند که حقابه در تقسیم سهم آب مؤثر نیست و نسبت به تقاضاها، بعضی اهل این دستور هم بایستی همین نکته را رعایت نمایند و چون بسیاری از رقوفات خانه‌ها در مالکیت حوزه و فروش املاک ذکر نمود و مدعیان ثبت در این قسمت خانه‌ها در یک مدارک اعلام بایستی موارد که در موقع عملیات کدام تصرف مدعی ثبت با حقابه عینا معامله نموده و اگر مسلم که مدعی ثبت اصلاً مجری حقابه از رقوفات خانه بدهد اگر آن را مشمول حقابه با سکوت گذارده در خلاف واقع و تحقیق حقابه برای مدعی ثبت تصدیق نمایند. تکلیف ادارات دستور ترتیب سند برای میزان ثبت و نمایندگان که در موقع عملیات نمود نتیجه آب حصول این متحد المآل با بعوریت کتباً اطلاع دهند. مدیر کل ثبت اسناد و املاک مملکتی»

محمد زاده

۱۹۱۹

۹/۱۱

۷۱۹۱۱

۳۱۰

۷/۹/۱۱

ل ـ ۱۹

/andishkadeaab

www.iwpri.ir

اداره ثبت اصفهان نیز برای زاینده‌رود متحدالمال و اعلان مشابهی صادر می‌کند.
ثبت اسناد آب بدون ذکر میزان حقابه و اشاره صرف به عرف محل، اکنون در شناسایی حقابه‌ها تنها مشخص می‌کند که آیا یک روستا حقابه داشته است یا خیر و نه اینکه چه بخشی از اراضی روستا و به چه میزان حقابه داشته است.
این شیوه ثبت حقابه در اسناد مالکیت، در اسناد اصلاحات ارضی نیز برقرار بود.

نمره ۱۶۷۰ بتاریخ ۲ اسفندماه ۱۳۱۰

اعلان

وزارت عدلیه

بر طبق دستور متحد المآل نمره ۱۴۳ مرکز حق الشرب از انهار و مجاری و مادیهای رود خانه زاینده رود بر طبق معمول محل خواهد بود و در اوراق مالکیت صادره از ثبت اسناد خواه جمله مطابق معمول محل ذکر شده و خواه نشده باشد صاحبان املاك بر خلاف معمول محل حق استفاده از آب رود خانه را نخواهند داشت

اداره ثبت اصفهان